۲۵

پوشش و آرایش

از دیدگاه پیامبر اعظم

مریم معین الاسلام



پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

مشخصات کتاب

سرشناسه : معین الاسلام، مریم، 1331 -

عنوان و نام پدیدآور : پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله/مریم معین الاسلام؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های صدا و سیما.

مشخصات نشر : تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، 1386.

مشخصات ظاهری : 88ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ 1216. با پیامبر؛ 25.

شابک : 9000 ریال 978-964-451-088-3:

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری

یادداشت : کتابنامه: ص. [85] - 88 ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمد(ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت- 11ه. ق. -- نظریه درباره حجاب

موضوع : حجاب

موضوع : زنان در اسلام

موضوع : زنان -- وضع اجتماعی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP24/9 /ح3 م6 1386

رده بندی دیویی : 297/93

شماره کتابشناسی ملی : 1245439

ص: 1

اشاره

ص: 2

دیباچه

پژوهش «پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله » با تبیین مفاهیم اساسی، دعوت به پوشش را از مأموریت های الهی پیامبر برشمرده و به شیوه رفتار رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای انجام این مأموریت اشاره کرده است.

همچنین پس از بررسی پوشش زنان پیش از دوران پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ، از دلایل تأکید پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر پوشش اسلامی زنان سخن به میان می آید.

آشنایی با مفهوم واژه «جلباب» برای شناخت مصداق پوشش برتر از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله , گفتار دیگری از این پژوهش است. حدود پوشش، رنگ پوشش و پوشش هایی که از آن نهی شده و آرایش و زینت از دیدگاه رسول اعظم صلی الله علیه و آله و در نهایت, تقابل فکری مدرنیته با

طرح پوشش و آرایش اسلامی و رویارویی استعمارگران با طرح نبوی نیز بررسی شده است.

در فصل آخر, به رسالت فرهنگ سازی رسانه ها در زمینه پوشش برتر، توجه و با بیان آسیب شناسی وضع موجود، راه کارهایی برای نهادینه سازی فرهنگ پوشش و آرایش معرفی شده است.

مجموعه این نوشتار را که با نور مبارک نبوی و با تلاش فراوان پژوهشگر ارجمند، سرکار خانم مریم معین الاسلام به بار نشسته است, اصحاب رسانه پییش تا به یاری آنان, فرهنگ نبوی بیش از پیش در جامعه اسلامی نهادینه شود.

و من الله التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

انسان سرگردان امروز در برزخی خود ساخته گرفتار شده است. وجودش در کشاکش فطرت درونی که خواهان زیبایی است و محیط بیرون که همواره تحریک کننده امیال نفسانی است, در نبرد است. زن به طور طبیعی جاذبه های بیشتری دارد و میل به عفاف به طور فطری بیشتر به او عطا شده, ولی جهان سرمایه داری, خواهان ابزاری کردن اوست و می خواهد تحرک انسانی او را تا سرحد تحریک جنسی تنزل دهد. ازاین رو, اقتصاد، سیاست و فرهنگ را در خدمت این خواست شیطانی در می آورد و شبکه های تلویزیونی پورنو در پی ایجاد جریان ناسالم فردی، خانوادگی و اجتماعی هستند تا زن را بازیچه سودسالاری کنند. این بازار مکاره با تمام ستم ها و پلیدی ها به سمت زن حرکت می کند و جسم او را مثل هزاران جنس دیگر وارد این معرکه می سازد؛ تجارتی که هر روز بر شمار قربانیانش افزوده می شود.

در این میان, مفاهیم ارزشمند و گران سنگی چون حجاب و عفاف مانند حقایق دیگر وارونه می شوند و با القای تعبیرهای ناخوشایند از این دو واژه, آرام آرام آن را به دست فراموشی می سپارند و برای نابودی حجاب و عفاف و از بین بردن این حقایق مسلّم در وجود انسان برنامه ریزی می کنند.

سردمداران نظام سرمایه داری برای رسیدن به هدف های سودجویانه خود، از عنصری مظلوم به نام زن, به صورت ابزاری بهره می برند و مسیر سکس و فمینیسم را پیش چشم زنان قرار می دهند.

مهم ترین ارمغان این جنبش سودجویانه، نابودی عفاف و حجاب است. آنها برای رسیدن به اهداف خود، مسائل جنسی را زود هنگام به کودکان می آموزند. به طور کلی, آزادی های بدون مرز و خارج از چارچوب های انسانی، پی آمدی جز از بین رفتن امنیت در جامعه، افزایش شمار تبه کاران و کارهای تلافی جویانه و در نهایت, جنگ عمومی علیه زنان ندارد و قربانی اصلی آن نیز زنان هستند.

بشر امروز پس از تجربه ناکامی های عمل به نسخه های بشر آلوده به گناه، بیش از گذشته، به ضرورت توجه به نسخه های حکیمانه خالق انسان که پیامبراعظم صلی الله علیه و آله به بشر ابلاغ کرده، پی برده است و رویکرد او به مبانی دینی و ارزش های الهی, آن را تأیید می کند.

پرداختن به حجاب و ضرورت الگوگیری از فرهنگ ناب نبوی, از مهم ترین ضرورت های فکری و فرهنگی در عصر حاضر است؛ زیرا حجاب از مهم ترین نمادهای دینداری و پای بندی به ارزش های الهی در جامعه دینی ما به شمار می آید.

پوشش و لباس انسان, مانند پرچم است؛ پرچمی که انسان بر در خانه خویش نصب و به وسلیه آن اعلام می کند از کدام فرهنگ پیروی می کند. هر

نوع دگرگونی در ساختار فرهنگی و اجتماعی، با تغییر در پوشش مردم مشخص می شود, چنان که استیلای فرهنگی و سلطه پذیری نیز در اولین مرحله, در پوشش مردم آشکار می گردد. ازاین رو, تلاش دشمن صرف استحاله فرهنگ دینی زنان شده و ملاک ارزیابی موفقیت در برنامه های استراتژیک دشمن، میزان تصرف در پوشش مذهبی زنان است.

دشمن با بهره گیری از بی حجابی و بدحجابی می خواهد اسلام، قرآن، شخصیت و عظمت مسلمانان را در هم بکوبد و آنها را غارت کند. از این رو با تغییر تاکتیک و روش، از جبهه نظامی به جبهه فرهنگی روی می آورد و برای استحاله و نفوذ فرهنگی همه جانبه, به زیرساخت ها و مبانی فکری جامعه حمله می کند و با استفاده ابزاری از زنان, حجاب را به عنوان مهم ترین نماد دینی، هدف قرار می دهد. حجاب, یکی از مهم ترین نمادهای فرهنگ نبوی و مترقی ترین و متعالی ترین طرح برای حضور اجتماعی زنان و تنها نسخه شفابخش برای زن امروز است که با توجه به اهمیت آن و تلاش دشمن برای تضعیفش، صاحبان اندیشه باید بیش از گذشته، این فرهنگ را به انسان تشنه امروز عرضه کنند.

مفهوم شناسی پوشش

حجاب به معنای پوشش و آنچه به وسلیه آن خود را می پوشانند و نیز حایل بین دو چیز است. جمع حجاب به این معنا «حجب» است.(1) در فرهنگ فارسی، حجاب به معنای پرده، نقاب و چادری است که زنان، چهره و سر تا پای خود را با آن می پوشانند.(2)

در برخی آیات و روایات، واژه حجاب به معنای لغوی آن به کار رفته است. از جمله:

1. «وَ بَیْنَهُما حِجابٌ؛ و میان آن دو]گروه [حایلی است». (اعراف: 46)

2. «وَ وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجابًا مَسْتُورًا؛ و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشیده قرار می دهیم.» (اسراء: 45)

1- 1. ابن منظور، لسان العرب ، بیروت، 1410 ه_ . ق، ص 1.
2- 2. حسن عمید، فرهنگ عمید ، تهران، امیرکبیر، 1374، ص 779.

شرع مقدس اسلام, حجاب را این گونه معنا می کند: «پوشانیدن تمامی اعضای بدن به جز صورت و دست ها تا مچ».(1)

ابن منظور نیز می نویسد:

الحجابُ: الستر... و اسمُ ما احتجب به و کلّ ما حالَ بین شیئینِ حجاب...

حجاب به معنای پوشانیدن... (و نیز) اسم چیزی است که پوشانیدن با آن انجام می گیرد و هر چیزی که میان دو چیز، جدایی بیندازد، حجاب است.

و نیز می گوید:

هر چیزی که مانع از چیز دیگر شود، او را حجاب کرده است؛ چنان که در باب میراث، اخوه (برادران) حاجب مادر شده، موجب می شوند سهم مادر از ثلث به سدس تقلیل یابد.(2)

فیروزآبادی نیز در سخنی مشابه می نویسد: «حَجَبَهُ حُجباً وَ حِجاباً: اَستَرَه... اَلحِجابَهُ و الحِجابُ: ما احتَجَبَ بِهِ.»(3) حاصل گفتار این دو زبان شناس آن است که این واژه گاهی در مفهوم مصدری و در قالب اسم به معنای (پوشانیدن) به کار می رود. گاهی نیز در قالب اسم ذات و به معنای هرچیزی که میان دو شیء جدایی انداخته است و مانع از رسیدن آن

1- 1. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار ، ج 101، بیروت، دارالاحیاء التراث، 403 ه_ .ق، چ 3، ص38، ح 36.
2- 2. لسان العرب ، ص 1.
3- 3. محمدبن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحیط ، ج 1، بیروت، دارالفکر، 1378، ص 179.

دو به یکدیگر شود, چنان که خداوند در قرآن مجید درباره بهشتیان و دوزخیان می فرماید: «و بَیْنَهُما حِجابٌ.» (اعراف: 46)

استاد مطهری رحمه الله علیه درباره حجاب چنین نوشته است:

کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده، وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اهل لغت هر پوششی حجاب نیست. آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن، صورت می گیرد.(1)

با توجه به آنچه گذشت, به نظر می رسد معادل دقیق اصطلاح پوشش در زبان عرب، واژه «ساتر» است. بیشتر فقیهان نیز از این واژه استفاده کرده اند.(2)

در این نوشتار, مراد از حجاب، پوشش اسلامی است و مراد از پوشش اسلامی زن, به عنوان یکی از احکام وجوبی اسلام این است که زن، هنگام معاشرت با مردان, بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و تبرج نپردازد.

«حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان, دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب

1- 1. مرتضی مطهری، مجموعه آثار مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار) ، انتشارات صدرا، تهران، 1376، چ 48، ص 63.
2- 2. علی اکبر کلانتری، فقه و پوشش بانوان ، قم، بوستان کتاب، 1383، چ 1، ص 150

اسلامی محقق شود. گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد, در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است».(1)

آیت الله محمدمهدی شمس الدین بر این باور است:

لفظ حجاب برای بیان پوشش زن، نوعی مسامحه در تعبیر است که در بیان حکم شرع دیده می شود؛ زیرا واژه حجاب در شرع اسلامی, حکم خاصی است که تنها در مورد زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود دارد و دیگر زنان مسلمان را دربرنمی گیرد.(2)

این حکم از سوره احزاب،(3) به طور خاص، پیوند مسلمانان با زن های پیامبر را بیان می کند. بر اساس آیه یاد شده، ورود مردان مسلمان، به خانه پیامبر بدون اجازه او ممنوع است و تنها هنگامی که پیامبر برای غذا خوردن به آنان اجازه می دهد، می توانند به خانه پیامبر بروند. همچنین به مردان مسلمان امر می کند در صورت لزوم, با زنان پیامبر از پشت پوششی مانند در، دیوار یا پرده سخن بگویند. این احکام در مورد دیگر زنان مسلمان صدق نمی کند؛ چون تماس مستقیم زنان دیگر با مردان نامحرم و مردان نامحرم با زنان, در ضرورت های سیاسی و اجتماعی مجاز است و زنان می توانند مستقیم با مردان نامحرم گفت وگو کنند. البته آنچه اصطلاحاً درباره زنان مسلمان گفته

1- 1. حسین مهدی زاده، حجاب شناسی ، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، 1381، چ 1، ص 20.
2- 2. همان، ص 21.
3- 3 . « یا ایها الذین آمَنوا لاتَدخلوا بُیُوتَ النَّبیِّ إلا أَن یُؤذَنُ لکم الی طعام ...» (احزاب: 53) .

می شود, عبارت است از پوشاندن بدن در مقابل جنس مخالف که بالغ یا ممیز است. البته گروهی از فقیهان, پوشاندن دست و صورت و برخی, پا را استثنا کرده اند.(1)

با توجه به آنچه گفته شد, به این نتیجه می رسیم که حجاب به معنای پرده، حاجب، پوشیدن و پنهان کردن و منع از وصول است. این واژه تنها به معنای پوشش ظاهری یا پوشاندن زن نیست و در اصل, به مفهوم پنهان کردن زن از مرد بیگانه است. ازاین رو, هر پوششی, حجاب نیست. حجاب, پوششی است که پشت پرده واقع شدن تحقق یابد که این مسئله فقط درباره همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله صادق است, چنان که خداوند به مردان دستور داد:

«وَ إِذا سَأَلْتُمُوهُنّ مَتاعًا فَسْئَلُوهُنّ مِنْ وَراءِ حِجابٍ...؛ چون از زنان پیامبر, متاعی خواستید، از پس پرده بخواهید». (احزاب: 53)

درباره زنان آن حضرت, بیشتر مصالح سیاسی و اجتماعی در نظر بوده است. برداشت غلطی که برخی از این آیه دارند, این است که این دستور را حمل بر پرده نشینی زن می کنند و می گویند اسلام خواسته است زنان در خانه, زندانی و پرده نشین باشند.

بنا بر آنچه گذشت, واژه ای که مفهوم پوشش را می رساند، ستر و ساتر است. بنابراین, پوشش اسلامی, نه تنها به معنای خانه نشینی زنان

1- 1. محمدمهدی شمس الدین، حدود پوشش و نگاه در اسلام ، ترجمه: محقق عابدی، انتشارات بین المللی الهدی، 1382، چ 1، ص 53.

نیست, بلکه کیفیت حضور زن در عرصه های عمومی و اجتماعی را تبیین می کند.

مأموریت الهی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در زمینه پوشش

نیاز فطری زنان, به خودآرایی تبرج و از یک سو و جذابیت زن برای مردان از سوی دیگر، سبب شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان پیام آور دین, برای حضور مؤثر، پویا و فعال زنان در جامعه، پیشنهاد حضور زن در عرصه های عمومی را با رعایت حجاب مطرح کند.

دین مبین اسلام از سویی مایل است که زن در جامعه، همانند مردان حضور فعال داشته باشد و از سوی دیگر, در این مسیر، ذره ای از ارزش های انسانی وی کاسته نشود. تدبیر دین برای رسیدن به چنین مقصود والایی, جز این نیست که در جامعه میان زن و مرد حریمی قائل شود تا با وجود چنین حریمی، محیط های حضور زن و مرد تنها میدان فعالیت های علمی، فرهنگی و اجتماعی آنان گردد و از هرگونه بهره برداری منفی از جنس زن جلوگیری شود.

کیفیت حضور اجتماعی فاطمه زهرا سلام الله علیها , نشانه امکان پذیر بودن این تدبیر است. حضرت زهرا سلام الله علیها در نهایت عفاف، تقوا، عزت، وقار و حفظ حریم، به ایفای تمامی این نقش ها می پرداخت. ایشان, خود را با عذر فساد و زمینه فحشا در جامعه، به خانه نشینی محدود و محکوم

نکرد و به بهانه شرکت در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی, به حرمت زن و حریم خانواده آسیب نرساند.

اسلام با ارائه طرح آرمانی حجاب، بهترین راه کار را برای حضور مفید زن پیشنهاد می کند که در آن به صلاح فردی و اجتماعی زن توجه شده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

یا عِبادَ اللهِ اَنتُم کَالمَرضَی وَ رَبُّ العالِمین کَالطَّبیبِ فَصلاح المَرضَی فِیمَا یَعلَمُ الطَّبیبُ و یُداوِی بِهِ لا فِیمَا یَشتَهِیهِ المَرِیضُ وَ یَقتِرَحُهُ اَلا فَسَلِّمُوا لِلّهِ اَمرَهُ وَ تَکُونُوا مِن الفَائِزِینَ.(1)

ای بندگان خدا، شما همانند انسان های بیمار و پروردگار جهان همانند طبیب است. پس خیر و صلاح انسان های بیمار در گوش دادن به علم و تدبیر طبیب است، نه پیروی از هواهای نفسانی. متوجه و تسلیم دستور خدا باشید تا از رستگاران قرار گیرید.(2)

تسلیم شدن در برابر دستورهای خداوند, پدیدآورنده حفاظ و لباس تقواست که بهترین لباس و پوشش درونی است: «و لباسُ التقوی ذلک خیرٌ» (اعراف: 7). بدون تردید، حجاب یکی از واجبات الهی و تأمین کننده تقواست. تقوا در فرهنگ اسلامی, حجاب و مانعی در برابر گناه است

1- 1. میرزا النوری، مستدرک الوسائل , ج 3، ص 177.
2- 2. محمدتقی فلسفی، به نقل از: کتاب جوان از نظر عقل و احساسات ، ج 1، نشر فرهنگ اسلامی، 1379، ص 313.

و رسیدن به تقوا, هدف خلقت انسان و عامل رشد و کمال است. زن با رعایت حجاب, به تقوا می رسد و در مسیر کمال قرار می گیرد؛ زیرا حجاب، لباس پرورش رسالت انسانی در جامعه و لباس عروج معنوی است.

حجاب سبب توسعه فرهنگی می شود و لباس بلوغ فکری زن مسلمان است و زن را به عنوان عنصری پویا و کارآمد در جامعه مطرح می سازد که هم رفتار خود را تنظیم می کند و هم رفتار جامعه را سامان می بخشد. به طور کلی, حجاب، طرح الهی برای حفاظت از نظام ارزش ها و پاسداری از ملکات انسانی است. حجاب به زن, غرور انسانی می دهد؛ زیرا تعامل با او در جامعه، بر اساس جنسیت او نیست, بلکه بر اساس انسانیت وی است.

حجاب, لباس استقلال و رهایی زن از دام بهره جویی مردان است. در واقع, حجاب, فرمان الهی است که برای مصلحت و سودمندی زنان صادر شده است. اهمیت و جایگاه رفیع پوشش و نقش بی بدیل آن در حفظ سلامت جامعه سبب شد که در سال های پنجم و ششم هجرت که سال های تثبیت حکومت اسلامی است، به طور ویژه به آن پرداخته شود. در آن دوره, زمینه لازم برای پرداختن به مسئله پوشش زنان و سفارش های دقیق و روشن درباره لباس، به عنوان بخشی از فرآیند اصلاحات

اجتماعی و فردی در جامعه نوپای اسلامی، فراهم شد. آیات 31 سوره نور و 59 سوره احزاب نازل گردید و خداوند, پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مأمور کرد که این دستور الهی را نخست به همسران و دختران خود, سپس به زنان مؤمن اعلام کند.

پیش از اینکه به بررسی آیه های حجاب بپردازیم, بیان یک نکته ضروری به نظر می رسد. توجه به ترتیب نزول این آیات نشان می دهد که حکم حجاب, یک باره اعلام نشده, بلکه به تدریج و با گذشت زمان و آماده شدن زمینه لازم برای آن، نازل شده است.

اولین آیه ای که درباره پوشش نازل شد, آیه 59 سوره احزاب بود که پیامبر را مأمور کرد که به همسران، دختران و زنان مؤمن بگوید: «یا أَیها اَلنَّبیُّ قُل لِأَزواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ المُؤمِنینَ یُدنِینَ عَلَیهِنَّ مِن جَلَابِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدنی أَن یُعرَفنَ فَلا یُؤذَیْنَ وَ کانَ اللهُ غَفُوراً رَحِیماً؛ ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو؛ (پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند] به احتیاط[نزدیک تر است, و خدا آمرزنده مهربان است».

برای درک بهتر مفهوم آیه, باید به شأن نزول آن توجه کرد. در تفسیر علی بن ابراهیم, درباره شأن نزول آیه چنین آمده است:

زنان برای گزاردن نماز پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله ، از خانه خارج می شدند و شب هنگام و صبح که برای گزاردن نماز مغرب و عشا به

سوی مسجد روانه می شدند، جوانان بر سر راه آنان می نشستند و به آزارشان می پرداختند.(1)

زنان به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و از وضعیت موجود شکایت کردند. در این زمان بود که این آیه نازل شد. عایشه در توصیف شرایط, پس از نزول این آیه می گوید: «وقتی این آیه نازل شد, ما زنان احساس بزرگی و شخصیت می کردیم و بسیار خوش حال بودیم».(2)

پوشیدن جلباب (پوشش بلند)، تنها یک تکلیف نبود, بلکه نشانه ای برای شناخت زنان اصیل و آزاده ای بود که می خواهند در عرصه های عمومی حاضر شوند، بدون آنکه فرصت طلبان حرمت شکنی کنند. ازاین رو, حجاب برای زنان مدینه, امتیاز و حقی به شمار می آمد و حق بودن و امتیاز آن, بر تکلیف بودن آن غلبه داشت.

حدود پوشش از منظر قرآن

در آیات پیشین, خداوند درصدد بیان حدود پوشش زنان نبود و از زنان خواسته شد که جلباب بپوشند تا بدین وسیله این پوشش, معرف شخصیت اصیل و آزاده آنان باشد, ولی در آیه 31 سوره نور، تکالیف و دستورهایی مشخص برای تبیین بهتر کیفیت پوشش زنان آمده است:

1- 1. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر علی بن ابراهیم قمی ، ج 2، نجف اشرف، ص 196.
2- 2. احمد عابدینی، مقاله « سیری در آیات حجاب» ، نشریه فقه، ش 22.

وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاء بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاء بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُوْلِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاک دامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند, مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان]همکیش[خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که از زن بی نیازند یا کودکانی که بر عورت های زنان وقوف حاصل نکرده اند, آشکار نکنند, و پاهای خود را]به گونه ای به زمین[نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد. ای مؤمنان, همگی]از مرد و زن[به درگاه خدا توبه کنید, امید که رستگار شوید. (نور: 31)

این آیه حدود حجاب را بیان می کند و از مهم ترین آیات در این زمینه است. در این آیه, دستورهای بسیاری برای مردان و زنان, در جهت حفظ حریم عفاف و حجاب بیان شده است. در ابتدا به مسئله

نِگاه زنان اشاره و به وسیله خطاب نورانی «وَ قُل لِلمُؤمِناتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبصارِهِنَّ» به زنان دستور فروکاستن نگاه داده شده است.

در ادامه آیه, دستورهایی مربوط به حدود حجاب بیان شده است:

1. دستور نخست این است: «وَ لا یُبدِینَ زِینَتَّهُن... .» این حکم ویژه ای برای خانم هاست. در این فرمان, از آنان خواسته می شود زینت های خود را آشکار نسازند.

2. دستور بعدی چنین است: «وَ لْیَضْرِبنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلی جُیُوبِهِنَّ وَ...» پیداست که پیش از نازل شدن این آیه، روسری ها را زیر گلو گره نمی زدند و گریبان و سینه های آنان پیدا بوده است.

3 _ آشکار شدن زینت نزد برخی افراد مانعی ندارد که عبارتند از: شوهران، پسران و پسران شوهر و برادران، پسران برادران، پسران خواهران, زنان, کنیزان, خدمت کاران مردانی که [از زن] بی نیازند و کودکانی که بر عورت زنان وقوف حاصل نکرده اند.

4. در آخر هم به زنان تذکر داده می شود پاهای خود را به گونه ای به زمین نکوبند تا زینت های پنهان شان آشکار شود.

این آیه, حدود و کیفیت پوشش را مشخص کرده و به پیامبر مأموریت داده است تکالیف ویژه زنان درباره روش رعایت حجاب را به آنان بگوید که عبارتند از:

1. به زنان مسلمان بگو از نگاه های آلوده و حرام چشم فرو بندند.

2. دامن خود را نگه دارند (این عبارت کنایه از رعایت عفاف و حیاست).

3. به زنان بگو که زینت های خود را جز آن مقدار که آشکار است, نمایان نکنند.

4. به زنان مسلمان فرمان می دهد که «خمارهای» خود را بر گریبان و سینه افکنند و آن را بپوشانند.

5. به گونه ای راه نروند که زینت پنهان شان آشکار شود.

گفتنی است خداوند پیش از آیه 31 نور, دستورهایی درباره حفظ حریم عفاف و پاکی در جامعه, به مردان می دهد و رسالت آنها را در این راستا تبیین می کند:

قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. (نور: 30)

به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاک دامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه تر است؛ زیرا خداوند به آنچه می کند. آگاه است.

در شأن نزول این آیه, از قول امام باقر علیه السلام آمده است: «در مدینه, جوانی از انصار با زنی روبه رو شد. زنان در آن زمان مقنعه ها را پشت گوش می انداختند. جوان نگاهی به آن زن انداخت و رفت و او

همچنان به راه خود ادامه می داد. هنگامی که زن از برابر وی رد شد، باز به زن نگاه می کرد و راه خود را ادامه می داد تا داخل کوچه ای شد و همچنان که به پشت سر نگاه می کرد, چیز تیزی که در دیوار بود, صورت او را درید.

هنگامی که زن از جلو چشمش ناپدید شد، به خود آمد. دید خون بر سر و صورتش جاری است. پیش خود گفت: به خدا سوگند، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می روم و او را از واقعه آگاه می کنم. هنگامی که نزد پیامبر آمد و حضرت, او را به این حالت دید, فرمود: چه حالتی است؟ جوان داستان را برای پیامبر باز گفت. آن گاه جبرئیل بر پیامبر نازل شد و این آیه شریفه را خواند».(1)

تدبیرهای عملی پیامبر برای انجام مأموریت الهی

اشاره

در پی نزول آیه های حجاب و دستور مؤکد خداوند مبنی بر ضرورت التزام زنان و مردان به رعایت حدود و حریم حجاب و عفاف, پیام آور دین، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، با حساسیت خاص, این قانون روح بخش الهی را به مردم ابلاغ کرد و با تدبیرهای ویژه, برای تحقق عملی و نیز نهادینه کردن آن کوشید که به برخی از این شیوه ها اشاره می کنیم:

1- 1. عبدبن علی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نورالثقلین ، ج 3، قم، المطبعه العلمیه، ص 588؛ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی , ج 5، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1378، ص 521، ح 5.

1- بیعت با زنان در التزام به حجاب

پیامبر در بیعت با زنان بر اختلاط نداشتن آنان با مردان، تأکید می کرد و می فرمود: «عَلَی النِّساءِ أن لایَحتَبِینَ وَ لایَقعُدنَ مَعَ الرِّجالِ فِی الخَلَاءِ؛ از زنان پیمان گرفته شد که هنگام نشستن زانوهای خود را در بغل نگیرند و در خلوت با مردان نشینند».(1)

2- بیان پی آمدهای رعایت نکردن حجاب

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای تأکید بر اهمیت مسئله پوشش, انزجار خود را از افرادی که نسبت به پوشش کامل دینی پای بند نیستند, چنین بیان می کند:

صِنفَانِ مِن اَهلِ النَّارِ لَم اَرَهُما قَومٌ مَعَهُم سِیاطٌ کَأذنابِ البَقَرِ یَضرِبُونَ بِها النَّاسَ و نِساءٌ کاسِیاتٌ عارِیاتٌ، مُمِیلاتٌ مائِلات... رُؤُوسَهُنَّ کأسنمه البخت المائلهِ لا یَدخُلنَ الجَنَّه وَ لایَجِدنَ رِیحَهَا.(2)

دو گروهند که اهل آتش هستند و نمی خواهم که آنها را ببینم: گروهی که تازیانه در دست دارند و مردم را با آنها می زنند (ستم کاران) و دیگر،زن هایی که پوشیده اند, ولی برهنه اند (لباس نازک بر تن دارند)، به شهوت ها متمایل هستند و مردان را به سوی خود جذب می کنند و موهای سرشان همچون کوهان شتر برآمدگی دارد. اینها وارد بهشت نمی شوند و

1- 1. کافی ، ج 5، ص 519.
2- 2. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه ، ج 2، قم، انتشارات دارالحدیث، 1379، چ 2، ص 259.

با اینکه بوی بهشت از مسافت های دور به مشام می رسد، بوی آن را استشمام نمی کنند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جای دیگری فرمود:

زن یک موجود بی حفاظ و آسیب پذیر است. هرگاه از خانه (بدون حجاب) خارج شد، شیطان او را احاطه می کند.(1)

زن باید برای در امان ماندن از خطر شیطان و شیطان صفتان، خود را در حریم امن حجاب قرار دهد.

حضرت برای بیان اهمیت رعایت پوشش اسلامی و در راستای انذار زنان, به پی آمدهای خطرناک پای بند نبودن به حجاب, اشاره و مشاهده های خود را در شب معراج برای آنان بیان کرد. حضرت علی علیه السلام شنیده های خود را از پیامبر در این باره چنین نقل می کند:

من و فاطمه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدیم. ایشان را در حالی یافتیم که سخت گریه می کرد. من عرض کردم پدر و مادرم فدایت باد یا رسول الله صلی الله علیه و آله ، چرا گریه می کنید؟ فرمود: شبی که مرا به آسمان بردند (یعنی شب معراج), زنانی از امتم را در عذابی شدید دیدم. آن وضع برای من سخت گران آمد و گریه ام از جهت عذاب سخت آنان است که به چشم خود دیدم. زنی را دیدم که به موهایش آویخته شده, مغز سرش می جوشید و زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد و زنی را دیدم که گوشت بدن او از جلو و عقب با

1- 1. حجاب از دیدگاه اسلام و ادیان آسمانی، ص 25.

قیچی های آتشین بریده می شد. سپس فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: ای حبیب من و ای نور دیدگانم! به من بگو که اینان چه کرده بودند و رفتارشان چه بود که به این عقوبت گرفتار شدند؟ حضرت فرمود: ای دختر عزیزم! آن زنی که به مویش آویخته شده بود, موی خود را از نامحرم نمی پوشاند... آن زنی که گوشت بدن خود را می خورد, برای نامحرم زینت می کرد.. و آن زنی که گوشت بدنش با قیچی های آتشین بریده می شد, خود را برای مردان (نامحرم) نمایش می داد که به او رغبت کنند.(1)

1- 1. بحارالانوار ، ج 8، ص 309.

فصل دوم: کیفیت پوشش زنان پیش از اسلام

پوشش زنان در ادیان پیش از اسلام

پوشش و لباس از نیازهای انسان به شمار می آید که از آغاز آفرینش به آن احتیاج داشته و کوشیده است خود را بپوشاند. در عهد سلیمان علیه السلام , زنان افزون بر پوشش بدن، روبند هم به صورت می انداختند و این سنّت در زمان ابراهیم علیه السلام نیز رایج بود.(1)

در جامعه زرتشتی، لزوم پوشش زن, در مراسم عبادی و حرمت نگاه به زنان و همچنین طرح حدود کیفیت حجاب, از وجود پوشش زنان زرتشتی حکایت دارد. در زمان زرتشت، پوشش صورت معمول نبود, ولی پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر میان همگان رایج بود. زن با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد و همراه مردان کار می کرد, ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط های فسادانگیز همراه بود.(2)

1- 1. مهدی مهریزی، حجاب ، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر ، 1379، صص 40 و 41.
2- 2. علی محمدی آشنانی، حجاب در ادیان الهی ، قم، انتشارات یاقوت، 1378، صص 95 و 96.

در کتاب مقدس یهودیان، موارد بسیاری یافت می شود که به طور صریح یا ضمنی، بد حجاب و پوشش زن و مسائل مربوط به آن تأکید شده است. حتی در برخی از آنها، لفظ چادر به کار رفته که نشان دهنده نوع پوشش زنان آن عصر است. سیره عملی یهودیان مبنی بر بهره مندی از چادر و بُرقع و روبند (که بارها در تورات آمده است)، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایست شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده، منع گفت وگوی علنی مردان و زنان حتی میان زن و شوهر، جلوگیری از رفتن به مدرسه و مسجد و ایراد خطابه زنان از پشت پرده، نه تنها نشان دهنده وجوب حجاب در شریعت یهود, بلکه بیانگر اجرای سرسختانه و شدت عمل قوانین و سیره یهودیان درباره کیفیت حجاب است.(1)

مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود را درباره حجاب زنان تغییر نداد, بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، با تأکید بیشتری، حجاب را مطرح کرد.

در مسیحیت, به دلیل تقدس تجّرد و برای از بین بردن زمینه تحریک و تهییج جوانان، رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش, به شکل شدیدتری وارد شده است. در کتاب مقدس مسیحیان, به طور صریح, آیاتی درباره لزوم عفت و خانه نشینی، آراستگی زن به وسلیه حیا، پرهیز از آرایش با جواهرات و بافتن مو و همچنین وجوب پوشاندن موی سر, به ویژه در مراسم عبادی و

1- 1. همان، صص 103 و 115.

داشتن وقار و دوری از نگاه به نامحرم آمده که بیانگر حجاب واجب دینی است.

دستورهای دینی پاپ ها و کاردینال ها مبنی بر رعایت کامل حجاب یا محصور بودن در خانه، وجوب پوشش صورت و پرهیز از هرگونه جواهرات و تزیین موی سر یا رنگ کردن آن و تغییر صورت و وجوب دوری گزیدن از هر چیز تحریک آمیز و دوستان شهوت پرست، سیمای احکام فقهی کلیسا را ترسیم می کند و شدت آن را نسبت به شریعت یهود و زرتشت نشان می دهد.(1)

پوشش زنان در اقوام و ملل دیگر

بسیاری از تاریخ نگاران و اندیشوران، به وجود پوشش در میان زنان در ملت های گوناگون اشاره می کنند. فرید وجدی در دایره المعارف قرن بیستم می نویسد:

حجاب زنان سابقه ای طولانی دارد. سخن درباره حجاب در میان سخنان قدیمی ترین نویسندگان یونانی به چشم می خورد. زنان سر را می پوشاندند، ولی صورتشان باز بوده است. وقتی به بازار می رفتند، بر آنان واجب بود صورتشان را نیز بپوشانند.(2)

1- 1. حجاب در ادیان الهی ، صص 120، 121، 139.
2- 2. فرید وجدی، دایره المعارف القرن العشرین ، ص 235.

حجاب یا چادر، بخشی از لباس زنان یونان باستان و روم قدیم بوده که برای زینت از آن استفاده می کردند. یونانیان برای پوشیدن چادر و حجاب، جنبه های سحری یا جادویی آن را مورد نظر قرار می دادند؛ زیرا بر سر گذاشتن چادر بیشتر در مراسم و مجالس دینی رایج بود و عده ای می پندارند که پوشیدن چادر برای زنان راهبه لازم بوده است. برخی نیز معتقدند چادری که عروس بر سر می نهد، برای پوشانیدن جمال خود از چشم حسودان است. در اروپای قرون وسطا، چادر جزئی از زینت سر بود. (1) با مطالعه آثار و تمدن های مختلف چنین به نظر می رسد که حجاب زنان از عادات قدیمی تمدن های بشری بوده است. «زنان یونانی در دوره های گذشته صورت و اندامشان را تا روی پا می پوشاندند».(2)

«بت پرستان هند، چیزی مانند چادر می پوشند و آن را روی خود می کشند، به گونه ای که صورتشان پیدا نیست. این به خاطر مجاورت با مسلمانان نیست؛ چرا که حجاب در هندوستان وجود دارد. آنان با

1- 1. عبدالحسین سعیدیان، دایره المعارف ، تهران، سازمان چاپ و انتشار محمدعلی علمی، 1349، ج 7 و 3، ص 216.
2- 2. حجاب در ادیان الهی ، ص 145.

مسلمانان عناد دارند, ولی ملتزم به رعایت حجاب هستند که سبب حجاب آنها حیاست».(1)

مجموعه گزارش های تاریخی, به خوبی اثبات می کند که در کشورهای گوناگون, نه تنها حجاب زن به طور کامل رعایت می شد، بلکه در برخی موارد، از حد تعادل, خارج و سبب خانه نشینی زنان می گشت. صرف نظر از افراط و تفریط هایی که درباره حجاب وجود داشته، رواج آن نزد بیشتر ملل, دلیلی روشن بر گرایش فطری و باطنی انسان ها به حجاب است.

حضرت آدم و حوا علیهما السلام ، آن هنگام که از بهشت اخراج شدند و پوشش خود را از دست دادند (عورتشان آشکار شد), سریع خود را با برگ درختان پوشاندند که این نمونه آشکاری از فطری بودن مسئله حجاب است:

فَدَلاّهُما بِغُرُورٍ فَلَمّا ذاقَا الشّجَرَةَ بَدَتْ لَهُما سَوْآتُهُما وَ طَفِقا يَخْصِفانِ عَلَيْهِما مِنْ وَرَقِ... . (اعراف: 22)

آدم و حوا از آن درخت ممنوعه چشیدند، پوشش خود را از دست دادند و به سرعت با برگ درختان بهشتی خود را پوشاندند.

پوشش زنان ایران

زنان ایرانی هم از این قاعده کلی مستثنا نبودند. زنان در زمان مادها که نخستین ساکنان ایران بودند، حجاب کاملی داشتند که شامل پیراهن

1- 1. غلامحسین اصفهانی حائری، فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب ، ترجمه: محمدرضا طهرانی، ص 529.

بلند چین دار، شلوار تا مچ و چادر و شنلی روی لباس ها بود. این حجاب در زمان پارس ها (هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان) نیز معمول بود. ویل دورانت درباره ایرانیان چنین نوشته است:

پس از داریوش، مقام زن مخصوصاً در طبقه ثروتمند تنزل پیدا کرد. زنان فقیر چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد میان مردم بودند, آزادی خود را حفظ کردند, ولی در مورد زنان دیگر، گوشه نشینی زمان] عادت ماهیانه[که برایشان واجب بود، رفته رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی شان را فرا گرفت و این امر مبنای پرده پوشی در میان مسلمانان به شمار می رفت. زنان طبقات بالای اجتماع جرئت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان صحبت کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی و حتی پدر یا برادرشان را ببینند. در نقش هایی که از ایران باستان بر جای مانده, هیچ صورت زنی دیده نمی شود و نامی از ایشان به چشم نمی خورد.(1)

1- 1. ویل دورانت، تاریخ تمدن ، مترجمان احمد آرام و پاشایی، ج 12، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1367، ص 552.

حجاب در ایران باستان بسیار سخت و شدید بود، به گونه ای که حتی پدر یا برادر هم نامحرم بودند. به عقیده ویل دورانت، علت اصلی پیدایش حجاب در ایران باستان، مقررات شدیدی بود که بر اساس رسوم و آیین کهن درباره زن]در دوران عادت[اجرا می شد و او را در اتاقی زندانی می کردند و همه در مدت عادت زنانگی, از او دوری می جستند.(1)

کنت گوبینو در کتاب سه سال در ایران می نویسد:

حجاب شدید دوره ساسانی در دوره اسلام در میان مسلمانان باقی ماند. او معتقد است که آنچه در ایران ساسانی بوده است, تنها پوشیدگی زن نبوده, بلکه مخفی نگه داشتن زن بوده است. او مدعی است که خودسری موبدان و شاهزادگان آن دوره به قدری بوده که اگر کسی زن زیبایی در خانه داشت, نمی گذاشت کسی از وجودش آگاه شود و حتی الامکان او را پنهان می کرد؛ زیرا اگر معلوم می شد که چنین خانم زیبایی در خانه اش است, دیگر مالک او، احیاناً مالک جان خودش هم نبود.(2)

1- 1. همان.
2- 2. مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار), ص 25.

زنان در دوران جاهلیت، به پوشش کامل مقید نبودند و با مردان هم نشین بودند. آنها در مجالس عمومی شرکت می کردند و در مکان های عمومی رفت وآمد داشتند. لباس های زنانه تمام بدن را نمی پوشاند و مقداری از سر و گردن و گوش و سینه و دست و پای آنان باز بود. زمخشری در این زمینه نوشته است:

گریبان جامه زنان گشاد بود, به گونه ای که گودی گردن، سینه ها و اطراف آن آشکار می شد. زنان روسری خود را به پشت سر می بستند و از جلو، مکشوف می ماندند... برخی زنان، گام بر زمین می کوفتند تا از صدای خلخال او دریابند که خلخال دارد. گفته اند که گاه نیز برای آنکه معلوم شود دو خلخال دارد, پاهایشان را به هم می زدند.(1)

سیوطی نیز گفته است:

از سعید بن جبیر نقل شده که خلخال زن دارای زنگوله هایی بود که هرگاه مرد غریبی بر او می گذشت، پایش را عمدی تکان می داد تا او صدای خلخال را بشنود.(2)

غرناطی در این باره می نویسد:

1- 1. محمود بن عمر زمخشری، الکشاف ، ج 2، دارالاحیاء التراث العربی، 1417 ه_. ق، چ 1، صص 63- 62.
2- 2. عبدالرحمن سیوطی، الدّرالمنثور ، ج 6، بیروت، انتشارات دارالفکر، 1414 ه_.ق، چ 1، ص 186.

در آن زمان، لباس هایی با گریبان فراخ می پوشیدند، به گونه ای که سینه هایشان پیدا بود و روسری خود را از پشت می بستند. ازاین رو, گوش و گردن و سینه باز می ماند... .(1)

این گونه پوشش, پس از ظهور اسلام و تا پس از هجرت نیز ادامه داشت تا آنکه آیات حجاب در سوره احزاب و نور نازل شد. روایات وارد شده درباره شرایط نزول آیات حجاب نیز بر این امر دلالت دارد.

1- 1. غرناطی، التسهیل العلوم التنزیل ، ص 151.

1- التهاب های جنسی

در جامعه ای که پیوند میان زن و مرد، بدون ضابطه است و حریمی میان زن و مرد وجود ندارد، نیاز جنسی از حد طبیعی و متعادل خود خارج می شود و به شکلی بیمارگونه افزایش می یابد و به صورت یک خواست اشباع نشدنی در می آید. استاد مطهری در کتاب مسئله حجاب در این باره می نویسد:

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت های بی بندوبار، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضاهای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی آورد.

وجود حرم سراها، غزل سرایی های ابتذال آمیز بشر، حکایات عاشقانه از عشق های جنسی، دلیلی بر سیری ناپذیری این غریزه و قدرت شگرف این غریزه دارد. غریزه جنسی, غریزه ای نیرومند، عمیق و دریاصفت است. هرچه بیشتر اطاعت شود , سرکش تر می گردد.

همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند, شعله ورتر می شود.(1)

مسئله دیگر, حساسیت بیشتر مردان نسبت به محرک های جنسی در مقایسه با زنان است. ازاین رو, پوشش نامناسب زنان و جاذبه ناشی از آن, مردان را تحریک می کند. این تحریک پذیری, افزون بر ایجاد فساد اخلاقی موجب اختلال روانی ناشی از هیجان های جنسی بیمارگونه نیز می شود.

یکی از تدبیرهای اسلام برای تعدیل و مهار کردن این غریزه, پوشش و کنترل نگاه است. آیه های الهی از زنان می خواهد که پوشش مناسب داشته باشند و از مردان می خواهد نگاهشان را کنترل کنند.(2)

2- میل به تبرج و خودنمایی در زنان

یکی دیگر از دلایل تأکید بر حجاب, میل به خودنمایی زنان است. همین میل است که سبب می شود زنان به لباس های بدن نما و آرایش های تحریک کننده روی آورند. اگر این میل کنترل نشود، فسادآفرین خواهد بود. پوشش, مهم ترین عامل تعدیل این میل است.

در تفسیر المیزان در تعریف تبرج آمده است: «کلمه تبرج به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است. همان طور که برج قلعه برای همه هویداست...».(3)

1- 1. مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار) ، ج 19، ص 434.
2- 2. نور: 30 ؛ احزاب: 59.
3- 3. سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان ، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج 16، کانون انتشارات محمدی، 1356، ص 462.

در تفسیر نمونه, ذیل آیه «لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّهِ الْأُولَی...» (احزاب: 33) آمده است:

همچون جاهلیت نخستین, در میان جمعیت ظاهر نشوید و اندام و وسایل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید... تبرج به معنی آشکار شدن در برابر مردم است... .(1)

زنان از نظر روانی، به خودنمایی و ظاهر شدن در برابر مردم تمایل دارند و این میل روانی, آنان را به سمت نشان دادن خود و زینت هایشان به دیگران می کشاند.

اسلام برای کنترل این میل درونی، مسئله پوشش در عرصه های عمومی را مطرح برای پاسخ گویی مناسب به این میل، زنان را به داشتن زینت و آرایش در عرصه های خصوصی تشویق کرده است. طرح حجاب و پوشش در آموزه های دینی، هرگز به معنای نادیده انگاشتن نیاز طبیعی و اصیل زنان به خودآرایی نیست. بارها در روایت ها دیده ایم که بر ضرورت پرداختن زنان به زینت و آراستگی اشاره و تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «زن به سه چیز نیاز دارد که یکی از آنها آراستگی است».(2)

1- 1. نامه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 17، ص 287.
2- 2. بحارالانوار , ج78, ص327.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بعضی از همسرانشان که به آراستگی خود توجه نداشتند, می فرمود: «چرا ژولیده هستی و به دلیل سرمه نکشیدن, چشمت سفید شده و چرا خضاب نمی کنی و موهای خود را رنگ نمی کنی؟(1)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «سزاوار نیست که زن خودش را معطل کند (از برخی زیورآلات استفاده نکند), هرچند آویختن گردن بندی به گردنش باشد». (2)

در روایات متعدد، خوش بو کردن زن،(3) آراستن ناخن،(4) توجه به زیبایی چهره(5) و رنگ موی زن(6) از یک سو و لزوم آراستگی شوهر برای زن از سوی دیگر مورد توجه قرار گرفته است که مجموعه این روایات, از توجه اسلام به این نیاز زن حکایت دارد. شارع مقدس با وضع حکم شرعی حجاب برای زنان، قصد تعدیل نیاز به خودآرایی و تبرج را دارد. افزون بر آن، در دین, حکم پوشش، به حضور در عرصه عمومی اجتماع مربوط است و به زنان اجازه داده شده است در محافل خصوصی و در مکان هایی که نامحرم وجود ندارد, لباس های رنگین و

1- 1. همان، ج 70، ص 122.
2- 2. همان، ج 103، ص 260 و 288.
3- 3. « ان امیرالمؤمنین ... لتطیب المراه المسلمه عن وجهها » (بحارالانوار ، ج 10، ص 100)
4- 4. « قال الرسول الله صلی الله علیه و آله ... و للنساء اترکن فانه ازین لکنّ » (محمد بن حسن حرعاملی، وسایل ، ج 2، مکتبه الاسلامیه، 1403 ه_.ق، چ 7، ص 134)
5- 5. بحارالانوار ، ج 14، ص 320.
6- 6. همان، ج 76، ص 102.

از زینت (طلا و نقره) استفاده کنند. حتی به پدران و همسران سفارش شده است وسایل آرایش و آراستگی زنان را تأمین کنند. در سیره امام علی علیه السلام آمده است که حضرت, همسر و فرزندان خود را با طلا و نقره می آراست. (1) همین مسئله در سیره امام سجاد و امام باقر(علیهما) آمده است.(2)

3- استفاده بهینه از سرمایه های اجتماعی

یکی از سرمایه های ارزشمند و گران سنگ هر جامعه ای, سرمایه های انسانی است که باید در حفظ آن کوشید. یکی از عوامل مهم در هدر دادن این سرمایه، گسترش بی بندوباری است.

اسلام برای اینکه زنان را که نیمی از پیکر اجتماع هستند, در خانه زندانی نکند, مسئله پوشش را برای زنان در عرصه عمومی مطرح کرده است رعایت پوشش سبب می شود مردان با آرامش روانی بهتر به تولید علم و سرمایه بپردازند و زنان نیز نقش اجتماعی شان را به درستی ایفا کنند.

رعایت نکردن حجاب، موجب پایین آمدن کارآیی و بهره وری می شود. آیا دانشجویی که در محیط علمی به جای آنکه در اندیشه دانش اندوزی و

1- 1. همان، ج 42، ص 71. 2. مریم معین الاسلام، زنان و برنامه تربیتی اسلام ، قم، انتشارات بیت الاحزان، 1384، ص 104.
2-

تمرکز بر مسائل علمی باشد, به هم کلاسی جنس مخالفش بیندیشد ، می تواند در عرصه تولید دانش, موفق باشد؟ بسیاری از کشورهای غربی پس از تجربه طولانی برقراری اختلاط در مراکز آموزشی, به فکر جداسازی مرد و زن افتاده و به موفقیت های خوبی نیز دست یافته اند. همچنین به تازگی شاهد جداسازی زنان و مردان در وسایل حمل و نقل عمومی هستیم. در حال حاضر, فرهیختگان و دل سوزان فرهنگی جهان غرب به این نتیجه رسیده اند که یکی از دلایل رکود علمی و اخلاقی، اختلاط در محیط های آموزشی است و به فکر جداسازی آنها افتاده اند.

4- حفظ حرمت انسانی

از نظر روان شناسان, یکی از مهم ترین عوامل رشد انسان، میزان ارزشی است که انسان برای خود قائل است. هرچه سطح حرمت خود(1) افزایش یابد و فرد, خودش را بپذیرد، به همان میزان در افزایش ضریب موفقیت فرد أثر دارد.(2)

«حرمت خود», در شکل دهی شخصیت انسان نقش ویژه ای دارد. امامان معصوم(علیهم السلام) نیز به مسئله حرمت خود، توجه بسیاری داشتند. امام

1- 1. SELF ESTEEM .
2- 2. نرمان وینسنت بیل، معجزه اراده ، ترجمه: وجیهه آذرمی، ص 89؛ به نقل از: مبانی روان شناختی خوش بختی با نگرش دینی ، ناهید طیبی، مریم معین الاسلام، انتشارات عطر سعادت، 1380، چ 2.

محمدباقر علیه السلام فرمود: « مَن هَانَت نَفسُه فَلَا تَأمَن شَرَّهُ ؛ کسی که حرمتی برای خود قائل نیست، از شر او ایمنی نیست». (1)

از فردی که کرامت نفس ندارد و ارزش وجودی برای خود قائل نیست, ممکن است هر کار ناشایستی سر بزند. فردی که با پوشش اسلامی برای خود حریم ایجاد می کند، در واقع به همگان می گوید که من برای خود حرمت و ارزش والایی قائل هستم و به هیچ کس اجازه تجاوز به این حریم را نمی دهم.

دقیقاً مثل صاحب باغی که با کشیدن دیوار به دور باغ خود, به همه می فهماند که باغش ارزشمند است و هیچ کسی اجازه ورود به این زمین را ندارد و این زمین، رها شده و مخروبه نیست که ارزش پاسداری نداشته باشد. در نگاه زن باحجاب، بهترین راه احساس ارزشمندی آن است که گوهر وجودی خود را از دست رس سودجویان و فرصت طلبان دور نگه دارد. زن باحجاب، با دور نگه داشتن خود از دست دیگران، به خود ارزش و اعتبار می بخشد تا آنجا که مرد, خود را نیازمند او می داند.

عزت، آبرو و احترام به جنس زن و رغبت بسیار مردان به زنان، ناشی از رعایت حکم کرامت آفرین حجاب است. برخلاف پرده دری و بی حجابی که بی رغبتی و بی میلی را در مردان اروپایی ایجاد کرده است.(2)

1- 1. محمدحسن بن علی حرانی، تحف العقول ، قم، مؤسسه نشر اسلامی، 1388، چ 2، ص 483.
2- 2. ابوالفضل خراسانی، احسن الحکایات فی حجاب السافرات ، صص 902- 907.

بی حجابی، زن را به برده جنسی و کالایی قابل معامله بدل می کند و شخصیت او را تا حد عروسک تنزل می دهد. ازاین رو, زن برای رسیدن به کمال، باید باحجاب باشد.

فایده حجاب, منحصر به زنان نیست, بلکه با حجاب، هم حرمت زنان حفظ می شود, هم به این وسیله به همگان گفته می شود که زن باحجاب، اهل بی بندوباری و روابط آزاد نیست و مردان هرزه به او طمع نمی ورزند و وی را آزار نمی دهند و مردان پاک دامن، گرفتار هوس و فساد نمی شوند.

5- پاسخ به میل فطری

میل به پوشش, میلی فطری است. مشکل ناشی از رعایت نشدن پوشش زنان در جامعه و میل فطری آنان به پوشش بود که سبب شد زنان خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله برسند و مشکلشان را مطرح کنند. بر این اساس, حکم حجاب برای آنان وضع شد و زنان از این دستور حکیمانه الهی استقبال کردند. دلیل این ادعا گزارشی است که عایشه از استقبال زنان از آیات حجاب ارائه کرده است:

من برتر از زنان انصار ندیدم. همین که آیات سوره احزاب نازل شد یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیاید. سر خود را با جلباب های مشکی می پوشاندند، گویی کلاغ روی سرشان نشسته است. بعد از نزول آیات حجاب،

زنان مدینه احساس شخصیت می کردند و این دستور الهی را با اشتیاق پذیرفتند و بی درنگ به این واجب الهی عمل کردند.(1)

دستورهای اسلام, در میان زنان تحولی چشم گیر پدید آورد. در سنن ابی داوود از ام سلمه چنین نقل شده است:

پس از آنکه سوره احزاب «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ» (احزاب:53) نازل شد، زنان مسلمان, حجاب و پوشیدگی را شعار خود ساختند. و در طول زندگی خویش، حجاب را مایه کرامت انسانی خود شمردند و بدان افتخار کردند.(2)

1- 1. الدرالمنثور، ج 6، ص 659. 2. حجاب در ادیان الهی ، صص 168 - 169.
2- 2. حجاب در ادیان الهی، صص 168 -169

فصل چهارم: پوشش کامل از دیدگاه اسلام

اشاره

یکی از مباحث چالش برانگیز در زمینه حجاب, مسئله حجاب کامل است. برای پاسخ گویی به این مسئله به سراغ آیه 51 سوره احزاب می رویم که در آن با واژه جلباب، نوع پوشش را بیان می کند. اگر دریابیم که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله منظور از جلباب چه بوده است و زنان چگونه به این حکم الهی عمل می کردند, می توانیم به کامل ترین مصداق پوشش از منظر پیام آور وحی پی ببریم.

از این رو, برای دست یابی به مصداق کامل پوشش, ابتدا باید مفهوم جلباب را بشناسیم. پیش از هرگونه ادعایی در این باره, این لغت را از منظر واژه شناسان, فقیهان و مفسران بررسی می کنیم.

واژه شناسی مفهوم جلباب

ریشه لغوی جلباب, «جیم», «لام» و «باء» است که بر اساس برخی کتاب های لغت, مثل معجم مقاییس اللغه دارای دو معناست. معنای اول, آوردن شیء (از جایی به جای دیگر) است و معنای دوم آن چیزی

است که شیء دیگر را می پوشاند.(1) جلباب از معنای دوم مشتق شده و با کسر جیم, در اصل مصدر فعل رباعی «جلبب» است که از مصدر اسم ذات اراده شده و نام پوشش ویژه ای است. تغییر از اسم ذات به وسیله مصدر، سبب شده است که مبالغه در پوشاندن را بفهماند، به گونه ای که بر معنای پوشش بزرگ و کامل دلالت کند.(2)

راغب نیز آن را پیراهن و روسری تعریف کرده(3) و در قاموس, پیراهن و لباس گشاد، کوچک تر از ملحفه و یا چیزی مثل ملحفه معنا کرده است که زن به وسلیه آن تمام جامه های خویش را می پوشد یا چارقد.(4) در المنجد آمده است: «الجلباب، القصیص اَوِ الثوب الواسع؛ جلباب، پیراهن یا لباس گشاد است». (5)

با وجود اختلاف زبان شناسان، همه قبول دارند که جلباب به معنای پوشش گسترده و فراگیری است که ظاهر و همه بدن را می پوشاند. در برای بیان پوشش گسترده, از واژه ها و تعبیرهایی همانند ملحفه، عبا، ردا، ازار و کسا استفاده کرده اند که بیان کننده معنای پوشش سرتاسری و کامل است که

1- 1. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه ، ج 2، الدار الاسلامیه، 1410 ه_. ق، ص 47.
2- 2. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن ، ج 2، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360، ص 95.
3- 3. حسین بن محمد راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، المکتبه المرتضوی، 1362، چ1.
4- 4. همان، ص 501.
5- 5. به نقل از شهید مطهری، مجموعه آثار ، ج 19، ص 501.

بخش های بیرونی و ظاهری بدن را می پوشاند و روی لباس های دیگر پوشانده می شود.(1)

در برخی فرهنگ نامه هایی که به معنای واژه های قرآنی می پردازند, جلباب را چادر معنا کرده اند که از آن جمله می توان به لسان التنزیل، فرهنگ نامه قرآنی، الدّر فی الترجمان، تفسیر مفردات قرآن نسخه کهن، نثر طوبی و قاموس قرآن اشاره کرد.(2)

مفهوم جلباب از دید مفسران

مفسران درباره معنای «جلباب», معانی بسیاری را بیان کرده اند که عبارتند از: ملحفه، ردا, چادر, عبا، لباس گشاد و مقنعه.(3) در تفسیر منهج الصادقین, جلباب را ثوبی واسع تر از خمار و کمتر از ردا معنا کرده اند.(4) تفسیر اثنی عشری, جلباب را لباس مختص زنان مؤمنه می داند.(5)

علامه طباطبایی رحمه الله علیه در تفسیر المیزان, جلباب را جامه ای سرتاسری می داند که تمام بدن را می پوشاند.(6) صاحب مجمع البیان، جلباب را ردایی

1- 1. محمدفواد البرازی، حجاب المراه المسلمه بین انتحال المبطلین و تأویل الجاهلین ، ص 23.
2- 2. حسین مهدی زاده، مقاله « هم گونی جلباب قرآنی و چادر مشکی » ، مجله پیام زن ، ش 177.
3- 3. آلوسی بغدادی، تفسیر روح المعانی ، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ص 107.
4- 4. ملافتح الله کاشانی، منهج الصادقین ، ج 7، چاپ خانه محمدحسن علمی، آذر 1330، ص 322.
5- 5. حسین بن احمد الحسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنی عشری، ج 1، ص 318.
6- 6. تفسیر المیزان ، ج 16، ص 339.

می شمارد که سر و روی زن را وقتی که برای کاری از خانه خارج می شود, می پوشاند و از قول ابن عباس نقل می کند: «منظور از جلباب, عبا است».(1)

این تفاسیر برای جلباب مؤید این است که جلباب غیر از مقنعه است و روی لباس های دیگر پوشیده می شود. کیفیت آن نیز بر حسب عرف و عادت فرق می کند و گاهی به صورت عبا و گاهی چادر است, ولی بی گمان, این لباس، لباسی گشاد و بلند است, نه تنگ و چسبان, به گونه ای که زیبایی های اندام و لباس های زیر که معمولاً رنگ های متنوع دارد, پنهان است و زن می تواند به وسیله آن, خود را در حفاظی مطمئن قرار دهد که نظر بیگانه را جلب نکند. به طور کلی, جلباب, پوششی است که افزون بر استتار اعضای بدن، حجم اندام و جذابیت های لباس و زیور را بپوشاند.(2)

کتاب های تفسیری قرآن که جلباب را چادر معنا کرده اند، عبارتند از: تفسیر نسفی، تفسیر شریف لاهیجی، تفسیر ابوالفتوح رازی، مخزن العرفان، تفسیر اثنی عشری، منهج الصادقین فی الزام المخالفین و اطیب البیان فی تفسیر القرآن. در همه این کتاب ها، ذیل تفسیر آیه 59 احزاب, تصریح شده که جلباب به معنای چادر است.(3)

1- 1. امین الاسلام طبرسی، تفسیر مجمع البیان ، ج 7، بیروت، دارالمعرفت، 1408 ه_.ق، ص 369.
2- 2. ستار هدایت خواه، زیور عفاف ، معاونت اداره کل آموزش و پرورش خراسان، 1375، چ 2.
3- 3. حسین مهدی زاده، هم گونی « جلباب » قرآنی و چادر مشکی ، مجله پیام زن، ش 177.

به طور کلی, قرآن فرمان می دهد که بانوان با مراقبت, جامه شان را بر خود گیرند و آن را رها نکنند تا نشان دهد اهل عفاف هستند، چادر آنها جنبه تشریفاتی ندارد و به گونه ای رها و آزاد نیست که پوششی برای آنها ایجاد نکند.

زمخشری در تفسیر کشّاف و آلوسی در تفسیر روح المعانی, از ابن عباس، یار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و شاگرد امام علی علیه السلام نقل کرده اند که جلباب, پوششی بود که از بالا تا پایین بدن را می پوشاند. (1)

به هرحال, جلباب, پوشش ویژه ای است. اینکه در تفسیر آن اختلاف وجود دارد, به دلیل آداب و رسوم و نوع پوشش ها بر اساس زمان و مکان است, ولی زبان شناسان و مفسران روی این مفهوم اتفاق نظر دارند که جلباب, حجابی گسترده و فراگیر است که همه بدن را می پوشاند.

پوشش فاطمه سلام الله علیها ، مصداق پوشش برتر

یکی دیگر از مسائلی که می تواند ما را در دست رسی به مصداق پوشش برتر رهنمون سازد، پوشش دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ زیرا ایشان به عنوان یکی از مخاطبان آیات حجاب، در عمل به دستورهای الهی، پیش تاز بود و به بهترین گونه به حکم الهی عمل می کرد. به همین دلیل, در این بخش, پوشش حضرت زهرا سلام الله علیها را برای رسیدن به مصداق برتر پوشش بررسی می کنیم.

1- 1. همان، ص 177.

در تاریخ گفته شده است پیامبر در بستر آخرین بیماری که به وفات ایشان انجامید, از ابوذر خواست فاطمه زهرا سلام الله علیها را خبر کند. ابوذر شیوه پوشش حضرت زهرا سلام الله علیها را این گونه بیان کرده است: «فَلَبَسَت جِلبابَها و خَرَجَت؛ جلباب و چادر خود را پوشید و از خانه بیرون آمد».(1) همچنین درباره پوشش حضرت فاطمه سلام الله علیها هنگام خروج از خانه و رفتن به مسجد برای دفاع از حقوق فدک چنین گفته شده است: « لَاثَت خِمارَها عَلَی رَأسِها و اشتَمَلَت بِجِلبابِها؛ خمار و مقنعه خویش را بر سر کرد و جلباب پوشید».(2)

از شیوه پوشش حضرت فاطمه سلام الله علیها به این نکته ها پی می بریم که فاطمه زهرا سلام الله علیها از خمار و جلباب استفاده می کرد و جلباب, پوششی سراسری بوده که از سر تا نوک پای حضرت را پوشانده بود. حتی در گزارشی آمده است که پایین چادر حضرت روی زمین کشیده می شد.

در این گزارش ها, چگونگی حجاب حضرت زهرا سلام الله علیها تبیین شده است که بدین ترتیب می توانیم به مصداق پوشش برتر پی ببریم که استفاده از خمار و جلباب به عنوان پوششی سراسری است.

با توجه به آنچه ذکر شد, می توان دریافت اندازه جلباب به گونه ای بوده که همانند چادر در زمان ما, از بالای سر تا پایین پا را می پوشاند.

1- 1. مجلسی، بحارالانوار . ج 36، ص 288.
2- 2. احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، الاحتجاج ، ج 1، تهران، انتشارات اسوه، 1413 ه_ .ق، ص 98.

از واژه «یدنین» نیز به این نکته پی می بریم که جلو چادر باز بوده و به زنان دستور داده شده است که آن را رها نکنند و دو طرف آن را به هم نزدیک کنند؛ زیرا «یدنین» از ریشه لغوی «دنو» به معنای نزدیک کردن در برابر دور کردن است.

قرآن مجید با استفاده از تعبیر «دنو» و نزدیکی, به بانوان دستور داده است که جلباب را با علاقه بپوشند تا با نوعی محافظت و دقت همراه باشد، نه مانند کسی که به اجبار، لباس می پوشد.(1)

همچنین در گزارش ام سلمه و عایشه آمده است که وقتی آیه جلباب نازل شد، زنان انصار درحالی که کسای خود را که سیاه بود, بر خود انداخته بودند، از خانه خارج شدند.(2)

وقتی زنان انصار, پس از نزول آیه جلباب، عبای سیاه بر سر کردند(3)، پیامبراکرم صلی الله علیه و آله با تقریر خود, این نوع برداشت از جلباب را تأیید کرد و این, خود, دلیل بر صحت برداشت زنان انصار از جلباب است؛ زیرا سکوت پیامبر درباره این حکم فراگیر و اثرگذار در جامعه, حجتی بر صحت عمل آنان است.(4)

1- 1. روح الله حسینیان، حریم عفاف (حجاب، نگاه) ، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، دی ماه 1360، چ 1، ص 63.
2- 2. درالمنثور ، ج 6، ص 659.
3- 3. طبرسی، تفسیر مجمع البیان ، ج 7، ص 271.
4- 4. روح الله حسینیان، حریم عفاف (حجاب، نگاه)، ص64.

افزون بر این دلایل، احادیثی همچون حدیث نبوی صلی الله علیه و آله وجود دارد که بیان می کند, رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، برای زنان هنگام روبه رو شدن با نامحرم، از چهار پوشش نام برده و خمار و جلباب را کاملاً از هم جدا کرده است.

چادر, مصداق پوشش برتر در عصر حاضر است و در قرآن و سیره زنان اهل بیت, به ویژه فاطمه زهرا سلام الله علیها ریشه دارد. پیامبر, چادر را به عنوان یکی از وسایل نوزده گانه ضروری جهیزیه برای دخترش زهرا سلام الله علیها قرار داد.(1) چادر سیاه, بهترین و سالم ترین پوشش زن مسلمان است که بزرگواری و فروتنی زن را در برابر احکام اسلام و ارزش های اخلاقی به منصه ظهور می گذارد. چادر, کمال پوشش است؛ زیرا به جهت پوشش یکنواخت و یک پارچه بدن, توجه نامحرم را جلب نمی کند.

چادر, مظهر دیانت، ملیت و استقلال فرهنگی زن مسلمان ایرانی است و زن را در برابر نگاه های آلوده, حفظ می کند. عظمت و صلابت این نماد دینی سبب شده است استعمارگران, با فرهنگ عفاف بجنگند. زنان باید بدانند شیطان برای رسیدن به مقاصد شوم خود، با اجرای سیاست گام به گام، نخست, حجاب کامل را که چادر است, از او می گیرد و با ایجاد تمایل در پوشیدن چادرهای نازک، توری، گل دار و مانند آن, او را به سمت بدحجابی و در نهایت, بی حجابی می کشاند.(2) از همین روست که مِستِر هَمفِر, جاسوس

1- 1. تفسیر مجمع البیان، ج 7، ص 271.
2- 2. حسین مهدی زاده، حجاب شناسی چالش ها و کاوش های جدید.

کارآزموده انگلیسی می گوید: «باید زنان مسلمان را فریب داد و از چادر و عبا بیرون کرد».(1)

فریب کاری و تلاش شیطان صفتان، نشان دهنده اثر این سنگر نفوذناپذیر است؛ زیرا چادر، پیام استقلال و آزادی زن مسلمان و سدّ راه ابتذال فرهنگی غرب است. چادر, جلوه عفاف حضرت فاطمه سلام الله علیها است که با گذشت چهارده قرن، ندای آزادی بخش او هنوز در گوش تاریخ طنین انداز است.(2)

گفتنی است پوشش هایی چون مانتو و مقنعه, با رعایت شرایط، بخشی از حجاب اسلامی را تأمین می کنند و یک حجاب متوسط به شمار می آید. به هرحال, از میزان خشم و برافروختگی دشمنان اسلام از چادر و ممنوعیت آن در کشورهایش, می توان اهمیت و ارزش آن را دریافت.

فلسفه تأکید بر استفاده از جلباب

جلباب یا چادر, حجاب حداکثری و وسیله ای برای تمایز و جدایی زنان عفیف از غیرعفیف است و نشان می دهد زنان مسلمان, برای خود حرمت قائل هستند و اجازه فرصت طلبی را به فرصت جویان نمی دهند. در واقع, چادر، حریمی است که زنان اصیل، با خود آن را به بیرون می برند و فرصت را از بیماردلان می گیرند. بر اساس بیان قرآنی, فلسفه

1- 1. حکایت کشف حجاب ، تهران، مؤسسه قدر ولایت، ناشر فرهنگی قدر ولایت، 1380، چ 1، ص 14.
2- 2. محمدرضا اکبری، تحلیل نو و عملی از حجاب در عصر حاضر ، اصفهان، انتشارات پیام عترت، 1376، چ 3، ص 81.

چادر این است که این پوشش برای معرفی زن مسلمان به عنوان زنی اصیل و آزاده, بهتر از دیگر پوشش هاست؛ زیرا چنین پوششی، نشانه رستگاری و پاک دامنی باطنی و عامل بازدارنده در برابر آزار مزاحمان است. یکی از فلسفه های حجاب حداکثری، راندن افراد لاابالی و مزاحم است تا فکر چشم چرانی و آزار دادن را در ذهن خود نپرورانند.

البته حجابی می تواند چنین تأثیری را داشته باشد که از تمام ویژگی های حجاب برخوردار باشد, از جمله اینکه زن همراه با آرایش و زینت ظاهر خود, این چادر را به سر نکرده و عفیف باشد. نباید به گونه ای از چادر استفاده کرد که از مصداق های « کاسیاتٌ عارياتٌ »(1) شمرده شود؛ یعنی زنانی که به ظاهر پوشیده اند, ولی در واقع برهنه اند.

ریون کرکت، مسئول سابق شبکه جاسوسی سیا در ایران می گوید:

چادر, نمادی است که وجود انقلاب را در سر راه هر چهارراه به نمایش می گذارد. با چادر می توان این احساس را پدید آورد که انقلاب اسلامی هنوز زنده است.(2)

حدود پوشش برتر از دیدگاه رسول اعظم صلی الله علیه و آله

1- 1. میزان الحکمه ، ج 2، ص 259.
2- 2. مقاله «کشف حجاب به روش مدرن»، هفته نامه فیضیه، بهمن 1379، ص 1.

در زمینه مسئله حدود پوشش, دیدگاه های گوناگونی مطرح است. اختلاف دیدگاه ها, به دلیل اختلاف برداشت درباره مواردی است که از حکم وجوب پوشش استثنا شده است.

به طور کلی, چهار نگرش در این راستا مطرح است:

1. پوشاندن همه بدن جز چهره و دو دست واجب است؛
2. پوشاندن همه بدن حتی چهره و دو دست واجب است؛
3. پوشاندن همه بدن جز چهره واجب است؛
4. پوشاندن همه بدن جز چهره و دو دست و پا ها واجب است.

در وجوب پوشاندن همه بدن، هیچ تردیدی نیست, ولی آنچه مورد اختلاف است, موارد استثنایی است. یکی از موارد استثنا, صورت است که به نظر می رسد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجه به نشانه هایی که وجود دارد، قائل به پوشش صورت برای زن نبود. از جمله این نشانه ها, روایتی است که از امام باقر علیه السلام به نقل از جابر بن عبدالله انصاری بیان شده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به قصد دیدار با فاطمه بیرون شد, در حالی که من همراه آن حضرت بودم. چون به در خانه حضرت رسیدیم، پیامبر دست خود را بر در نهاد، فشار داد و سپس فرمود: «السلام علیکم». فاطمه سلام الله علیها پاسخ داد: «علیک السلام ای رسول خدا !» پیامبر از فاطمه سلام الله علیها اذن ورود خواست. حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمود: «داخل شو ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله !» حضرت رسول پرسید: «با همراهم داخل شوم؟» حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند: «پوششی بر سر ندارم». پیامبر

فرمود: «ای فاطمه! زیادی چادر خود را بگیر و سرت را با آن بپوشان» فاطمه نیز چنین کرد. سپس پیامبر دوباره اذن ورود با همراه را طلبید. حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمود: «بله یا رسول خدا , با همراهتان داخل شوید».

پس از اینکه به خانه فاطمه وارد شدیم، مشاهده کردیم رخسار فاطمه ب سان شکم ملخ، زرد است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه فرمود: «چرا چهره ات را زرد می بینم؟» دختر پیامبر پاسخ داد: «اثر گرسنگی است!» حضرت با شنیدن این سخن دعا کرد و عرضه داشت: «ای خدایی که گرسنگی را رفع و کاستی را دفع می کنی، فاطمه, دختر پیامبر را سیر کن!» جابر می گوید: به خدا سوگند, پس از دعای حضرت دیدم خون از قسمت پیشانی فاطمه به جریان افتاد و چهره او گلگون گردید و پس از آن دیگر گرسنه نشد.(1)

این جریان تاریخی بر واجب نبودن پوشانیدن چهره دلالت دارد. این رخداد، در حضور پیامبر روی داد و حضرت تنها از دخترشان خواسته است سر خود را بپوشاند. جابر نیز به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به دیدار حضرت فاطمه سلام الله علیها رفته و از رنگ زرد چهره فاطمه سلام الله علیها گزارش داده و بعد آثار استجابت دعا را در چهره ایشان دیده است. همه این موارد بر این مطلب دلالت دارد که چهره حضرت فاطمه سلام الله علیها در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و جابر پیدا بوده است. اگر پوشاندن چهره واجب بود، حضرت رسول صلی الله علیه و آله , سکوت

1- 1. وسایل الشیعه ، ج 14، ص 167؛ ابواب مقدمات النکاح ، باب 125، ح 3.

و فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز این واجب را ترک نمی کرد. نکته قابل توجه دیگر این است که ناقل این جریان امام محمد باقر علیه السلام است. در واقع, سه معصوم با این جریان مرتبط بوده و هیچ کدام کاری نکرده اند که دال بر وجوب پوشش صورت دلالت کند.

پیامبر در جای دیگری فرمود: «اِنی بُعِثْتُ عَلَی شَریعَهٍ السَمْحَهِ السَهْلَهَ.»(1) روشن است که پوشاندن صورت و دست ها برای زنان در بسیاری از عرصه های عمومی، کاری مشکل و طاقت فرساست و موجب عسر و حرج به نظر می رسد که چنین حکمی به مقتضای عسر و حرج منتفی است.

برداشتن حکم پوشش از محدوده صورت و کف دست، با اینکه این محدوده از زیبایی های زن است، برای تسهیل ارتباط او با دیگران است. پوشاندن چهره, کاری دشوار است و شارع مقدس این سختی را از عهده زنان برداشته است.

استاد مطهری رحمه الله علیه در کتاب مسئله حجاب چنین نوشته است:

اگر شارع مقدس, پوشیدن چهره و دو دست را واجب بداند، خودبه خود, شعاع فعالیت زن به اندرون خانه و اجتماعات خاص زنان محدود می شود.

1- 1. بحارالانوار ، ج 30، ص 548.

خلاصه اینکه «وجه و کفین»، مرز پوشش زن است و ایرادهای مخالفان پوشش در صورتی درست است که حجاب صورت و دستان را لازم بدانیم. استثنای صورت و دستان, به منظور رفع حرج و امکان دادن به فعالیت زن است.(1) در این راستا, روایت دیگری از عبدالله بن عباس با این مضمون وارد شده است:

در سفر حجهالوداع, زنی از قبیله خشعم، جهت استفتای مسئله ای، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید. این در حالی بود که فضل بن عباس نیز پشت سر آن حضرت سوار بود. آن زن از پیامبر پرسید: فریضه حج بر پدرم واجب شده, ولی او به سبب کهولت سن توانایی سفر ندارد. اگر خود از سویش حج کنم، تکلیف او انجام گرفته است؟ پیامبر فرمود: آری. در این هنگام, توجه و نگاه فضل به آن زن که زیبا بود، جلب شده بود و همین امر موجب شد که حضرت صورت فضل را به جانب دیگر چرخانید.(2)

این روایت نیز از جمله روایاتی است که برای اثبات واجب نبودن پوشش صورت برای زنان قابل استناد است؛ زیرا اگر پوشش صورت واجب بود، پیامبر به این زن تذکر می داد که صورت خود را بپوشاند، درحالی که حضرت صورت فضل را به جانب دیگر چرخاند. برخورد

1- 1. کتاب مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار) ، ج 19، ص 513.
2- 2. احمدبن محمد شیبانی، مسند احمد ، ج 1، انتشارات دارالفکر، 1414 ه_.ق، چ 2، ص 251.

پیامبر با فضل نشان می دهد زنان وظیفه ای برای پوشاندن صورت خود ندارند، ولی مردان نباید به زنان نگاه شهوت آلود کنند.

بنابراین، تأکید فراوان دین داران بر پوشاندن چهره زنان و دختران خود، از باب افضلیت این مسئله است و این پافشاری، بر وجوب آن دلالت ندارد. به طور کلی، دلیل قابل استنادی از سیره و گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله بر وجوب پوشش صورت و دست ها در دست نیست، بلکه دلایل متقنی بر خلاف آن هست.

برخی از جمله مرحوم فیض کاشانی در کتاب صافی(1) با استناد به آیه مبارکه «یُدنِینَ عَلَیهِنَّ مِن جَلَابِیبِهِنَّ...» (احزاب:53) به وجوب پوشش صورت حکم داده اند. این در حالی است که این آیه درباره ضرورت نزدیک کردن دو طرف چادر است و هیچ اشاره ای به پوشاندن صورت ندارد. به گفته صاحب المیزان, مفهوم آیه این است:

خود را با روپوش هایشان بپوشانند و گریبان و سینه هایشان را برای کسانی که می بینند، آشکار نسازند. (2)

ابن عباس, مفسر بزرگ قرآن و صحابی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه گفته است: «زن، مو و سینه و دور گردن و زیر گلویش را بپوشاند».(3)

1- 1. محمدمحسن فیض کاشانی، تفسیر صافی ، ج 2، انتشارات دارالمرتضی، 1411 ه_.ق، چ 1، ص 366.
2- 2. المیزان ، ج 16، ص 508.
3- 1. ابوعلی الفضل بن الحسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان ، ج 7، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، 1371، ص 155.

بنا بر آنچه گذشت، روشن شد که حد پوشش از دید رسول خدا صلی الله علیه و آله , پوشاندن تمام بدن جز صورت و دو دست است. زن بهتر است این حد از پوشش را بر اساس رهنمود رسول گرامی اسلام با چهار نوع پوشش, نظیر پیراهن، مقنعه، چادر و شلوار بپوشاند.

ایشان در این باره فرمود:

شوهر حق دارد به بدن زن که زیر پیراهن قرار دارد, نگاه کند و برادر و فرزند مجازند از روی پیراهن به بدن زن نگاه کنند, ولی در برابر نامحرم باید چهار لباس بپوشد: پیراهن، مقنعه، چادر و شلوار.(1)

پس از بررسی واژه جلباب, اکنون واژه خمار را بررسی می کنیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را یکی از چهار پوشش زن دانسته است. خمار، وسیله ای برای پوشش سر و گردن و سینه هاست. خداوند در حکمی ویژه درباره بانوان می فرماید: «وَ لْیَضْرِبنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلی جُیُوبِهِنَّ وَ...؛ روسری های خود را بر گریبان خود بیندازید». (نور: 31)

1- 2. همان، ص 155؛ ذیل آیه 60 سوره نور.

پیش از نزول این آیه کریمه، زنان روسری های خود را پشت سر خود قرار می دادند و زیر گلو گره نمی زدند. به همین جهت, گردن و سینه های آنان نمایان بود.

از این آیه برمی آید که زنان افزون بر پوشیدن سر خود وظیفه پوشاندن گریبان و سینه را هم دارند و باید به وسلیه خمار که همان مقنعه یا روسری بزرگ است، این حد از پوشش را هم رعایت کنند.

زنان افزون بر پوشش سراسری بدن و همچنین سر و گردن و سینه ها به وسلیه خمار باید همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است، از شلوار استفاده کنند. رسول اعظم صلی الله علیه و آله چنان نسبت به شرافت زنان امت خویش اهتمام داشت که برای زنانی که در پوشش خود از شلوار استفاده می کنند، آمرزش خواست و این سخن را « ... خدایا زنانی را که شلوار می پوشند، بیامرز.» سه بار تکرار کرد. ایشان سپس فرمود: «ای مردم, زنان خود را هنگامی که از خانه بیرون می روند، با شلوار بپوشانید».(1)

آنچه بیان شد، درباره حد واجبی از پوشش است که زنان مسلمان ملزم به رعایت آن هستند, ولی نباید از این نکته غفلت کرد که مسئله

1- 1. ابی الحسن و رام بن فراس، تنبیه الخواطر ، بیروت، انتشارات دارالتعارف، 605 ه_.ق، ص 323.

پوشش, مثل دیگر احکام الهی یک حد واجب دارد و آن برای کسانی است که فقط به دنبال انجام تکالیف واجب هستند. برای کسانی که می خواهند به مراتب بالاتری از تقرب الهی برسند, حدود مستحبی هم مطرح شده است. حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در این زمینه فرمود:

خداوند، تقرب زن را از ناحیه حجاب و رعایت حریم محرم و نامحرم قرار داده است و هرچه تقید بیشتر، تقرب هم افزون تر خواهد بود.(1)

ازاین رو, در امر پوشش, حد واجب همان مقدار است که بیان شد. استاد مطهری رحمه الله علیه بر این باور است:

از نظر اسلام, هر قدر زن, عفاف و حجاب را بیشتر مراعات کند، پسندیده تر است و به خاطر ارفاقی که درباره حکم صورت و دست ها و غیر آن داده شده است، این اصل کلی را نباید از یاد برد.(2)

اگر آدمی همیشه هدف آفرینش را در نظر داشته باشد و با این نگاه به تدبیر امور زندگانی خویش بپردازد، دین را محدود به احکام فقهی نمی بیند. چنین شخصی می داند نماز و رعایت حجاب، حداقل کاری است که باید انجام دهد. در باطن و غایت نماز، دوری از فحشا و منکر

1- 1 . وسائل الشیعه ، ج 14، ص 123.
2- 2. مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار) ، ص 152.

نهفته است و نماز بدون این آثار، صورتی بیش نیست و تنها رافع تکلیف است. حجاب نیز بدون عفاف و حیا، فقط برطرف کننده گناه است. ازاین رو, انسان باید همواره جوینده مراتب حقیقی و افزون تر کمال باشد و به حداقل ها بسنده نکند.

عمل به واجبات مانند حرکت در لبه پشت بام است که با کمی بی احتیاطی ممکن است فرد سرنگون شود و خرد حکم می کند که در وسط پشت بام حرکت کند. مسئله حجاب هم این گونه است. انسان باید برای جلوگیری از هرگونه آسیب پذیری در وادی پارسایی حرکت کند. رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

میان خود و حرام پرده ای از حلال قرار دهید. کسی که این گونه عمل کند, عرض و دین خود را نجات داده است و کسی که در محدوده (حلال نزدیک به حرام) اقامت کند, مانند کسی است که کنار آتش نشسته و نزدیک است در آن بیفتد.(1)

رنگ پوشش

همواره این پرسش وجود داشته است که پوشش دینی باید چه رنگی داشته باشد؟ آیا رنگ خاصی مطرح است یا تنها رعایت حدود حجاب مهم است؟ چرا زنان باید از رنگ سیاه استفاده کنند, در حالی که این رنگ در آموزه های دینی مکروه است؟

1- 1. میزان الحکمه ، ص 3510، ح 2163.

در پاسخ به این پرسش ها باید بگوییم زنان صدر اسلام، نخستین مخاطبان آیه جلباب بوده اند و برداشت آنها از جلباب، رنگ سیاه بوده است. ام سلمه می گوید:

وقتی آیه جلباب نازل شد، زن های انصار از خانه هایشان خارج شدند درحالی که پوشش های سیاه داشتند.(1)

در ریشه لغوی جلباب، رنگ سیاه آمده است. معنای جلب در بسیاری از کتاب های لغت، تیرگی و سیاهی است و درباره سیاهی شب از عبارت «جلب اللیل» استفاده شده است. ازاین رو, استفاده از چادر سیاه به دلیل ریشه قرآنی آن است.(2)

رنگ شناسان بر این باورند که رنگ سیاه, رنگ صامت و غیرفعال است و سبب تحریک و جلب توجه نمی شود. در کتاب روان شناسی رنگ ها درباره رنگ سیاه نوشته شده است: «سیاه نمایانگر مرز مطلق است».(3)

بنابراین, فردی که در برابر نامحرم و بیرون خانه از حجاب سیاه استفاده می کند, با مرز مطلق و کاملی میان خود و افراد نامحرم پدید می آورد.

1- 1 . سنن ابی داوود ، ج 2، ص183.
2- 2 . حجاب شناسی چالش ها و کاوش های جدید ، صص 7 - 10.
3- 3 . همان، ص 10.

وقتی زن در بیرون از خانه، چادر سیاه به سر می کند، می خواهد نشان دهد نامحرم حق ندارد به این حریم نزدیک شود؛ زیرا این حریم حیا و عفت است.

امروزه نظریه خنثی بودن انسان در برابر رنگ، نظریه ای غیرعلمی و عوامانه است و مسئله رنگ درمانی، از اثرپذیری انسان حکایت دارد.

رنگ سیاه کارکردهای روانی دارد. برای نمونه, آثار شب برای اهل دل، پناهگاهی آرامش بخش است. به طور کلی, رنگ سیاه سبب ایجاد آرامش روانی می شود, همان گونه که تاریکی شب، از فعالیت غیرطبیعی و اضافی او می کاهد و مجال آرامش و آسایش جسمی و روحی را فراهم می آورد.(1)

تقریر رسول خدا صلی الله علیه و آله و مخالفت نکردن حضرت با پوشش چادر سیاه زنان انصار، دلیلی برای کراهت نداشتن رنگ سیاه است.

رنگ سیاه احساس بزرگی، هیبت و وزین بودن را ایجاد می کند و به همین دلیل, لباس های رسمی, بیشتر سیاه است و سیاستمداران از

1- 1 . مقاله «از دنیای رنگ ها تا دنیای انسان ها»، مجله زن شرقی ، ش 22، دی ماه 1383, ص11.

این رنگ استفاده می کنند.(1) استفاده بانوان از رنگ سیاه, والایی و هیبت معنوی پدید می آورد که سبب می شود مردان نامحرم در برخورد با آنان حریم را نگه دارند.

بهره مندی از رنگ سیاه, به عنوان پوشش زنان، مختص عرصه های عمومی است که برای حفظ متانت، وقار و هیبت زنان، بر پوشیدن چادر یا عبا با رنگ سیاه تأکید شده است, ولی در خانه و محافل زنانه، اسلام به زنان سفارش کرده است از رنگ های شاد به ویژه رنگ سفید بهره ببرند.

پوشش های نهی شده

اشاره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله , پوشیدن برخی لباس ها را برای مسلمانان شایسته نمی دانست. ازاین رو, آنان را از این گونه پوشش ها نهی می کرد که در این بخش به آن می پردازیم.

1- تشبه زنان به مردان و برعکس

یکی از پوشش هایی که پیامبراعظم صلی الله علیه و آله با لحن شدید, مسلمانان را از آن نهی کرد, پوشش مردانه برای زنان و پوشش زنانه برای مردان است.

1- 1. هوارد و دوروتی سان، زندگی با رنگ ، روان شناسی و درمان با رنگ ها، ترجمه: نغمه صفاریان پور، انتشارات حکایت، 1378, چ 1، ص 137.

پیامبر, کسی را که این گونه لباس بپوشد, از رحمت خدا به دور می داند و او را لعنت می کند.(1)

همچنین امام صادق علیه السلام در روایتی از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله می گوید که آن حضرت همانندسازی زنان با مردان و برعکس را نهی می کرد.(2)

گفته شده است روزی حضرت علی علیه السلام در مسجد پیامبر با مردی روبه رو شد که دارای حالت زنانه بود. حضرت به او فرمود:

از مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون شو, ای کسی که مورد لعنت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستی! پیامبر می فرمود: خداوند لعنت کند مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان می کنند.(3)

همچنین حضرت علی علیه السلام نقل می کند که با پیامبرخدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودم که مردی با حالت زنانه بر پیامبر وارد شد و سلام کرد. حضرت پس از اینکه به سلام او پاسخ داد، چشم به زمین دوخت و درحالی که استغفار می کرد, فرمود: «آیا چنین افرادی در امت من

1- 1. وسائل الشیعه، ج 12، کتاب التجاره، ابواب ما یکتسب به، باب 87.
2- 2. وسائل الشیعه، ج 3، ابواب احکام الملابس ، باب 12، ص 355.
3- 3. وسائل الشیعه ، ج 12، ص 211، ح 2.

یافت می شوند؟! این گونه افراد در هیچ امتی یافت نمی شوند، مگر اینکه آن امت پیش از آمدن قیامت، عذاب شود.»(1)

2- بسنده کردن به پوشش واحد

یکی دیگر از انواع پوشش که نهی شده، بسنده کردن به پوشیدن لباس واحد است. یکی از موردهایی که پیامبر هنگام بیعت با زنان یادآور شد, این بود که زنان از پوشیدن لباس واحد خودداری کنند.

در صحیح مسلم آمده است که پیامبر «حق احتبا» را از زنان گرفت. «احتبا» از «حبوه» گرفته شده و به معنای پوشیدن لباس واحدی است که وقتی زانو را بغل می گیرند, عورت کشف می شود.(2)

3- لباس دشمنان

یکی دیگر از انواع پوشش که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را ناپسند شمرده، پوشیدن لباس دشمنان است زیرا مانند دشمنان لباس پوشیدن، هویت دینی و ملی یک امت را نابود می کند.

ازاین رو, زنان مسلمان در گزینش لباس خویش باید اصالت دینی و ملی خود را حفظ کنند و لباس آنان شبیه پوشش دشمنان نباشد. مانند دشمنان لباس پوشیدن، نشانه تمایل است. ازاین رو, پیامبر فرمود:

1- 1 . همان، ح 3.
2- 2 . صحیح مسلم ، ج 14، ص 76، باب النهی عن الاحتباء فی ثوب واحد.

«هرکس لباس دشمنان را بپوشد, گویا از آنان شده است.»(1) به هرحال, باید از آنچه به اقتدار ملی و دینی مسلمانان آسیب می رساند, دوری کرد.

4- لباس شهرت

لباس شهرت, یکی دیگر از انواع پوشش هاست که نهی شده است و در بخش زینت و آرایش, به آن می پردازیم.

پوشش های دیگری که مسلمانان از آن نهی شده اند, عبارتند از:

الف) پوشش هایی که انسان را انگشت نما کند؛

ب) پوشش های محرّک غریزه جنسی؛

ج) پوشش های نازک.

عایشه درباره پوشش نازک می گوید:

خواهرم, اسما در حالی که لباس نازک به تن داشت, نزد

رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد. حضرت از وی روی برتافت و فرمود: «ای اسما، زن هنگامی که به بلوغ می رسد، صحیح نیست غیر از این قسمت و این قسمت از بدنش پیدا باشد.»(به صورت و کفین خود اشاره کرد).(2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره کیفیت پوشش به زنان چنین تذکر داده است:

1- 1. علی کرمی فریدنی, پرتوی از پیام پیامبر(برگردانی تازه از نهج الفصاحه) , انتشارات حلم, چ 1, سال 1384, ص86,
2- 2. سنن ابی داوود ، دار احیاء السنه النبویه ، ج 1، باب فیما تبدی المرأه من زینتها، ص 64.

«سزاوار نیست برای زنان که هنگام رفتن از خانه, لباس خود را جمع و فشرده کنند».(1)

ص: 68

1- 1. فروع کافی ، ج 5، کتاب ا لنکاح ، باب الستر، ص 519.

فصل پنجم: برخورد همسران و دختران پیامبراعظم صلی الله علیه و آله با حکم پوشش

اشاره

درباره چگونگی پوشش زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و روش برخورد مردان با آنان پیش از آنکه دستوری درباره حدود حجاب صادر شود، آیاتی در سال پنجم هجری نازل گشت.

پیش از نزول این آیات, همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله با همان لباس معمول و مرسوم آن زمان در جامعه حاضر می شدند و با مردم سخن می گفتند. تا اینکه در سال پنجم هجری, پس از ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش، خداوند به مؤمنان دستور داد هرگاه از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی خواستند, از پشت پرده بخواهند: «و اذا سألتموهُنَّ مَتاعاً فسئلوهُنَّ من وراء حجاب... ». (احزاب: 53)

پیش از نزول این آیه، آیاتی نازل شد که همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله را از دیگر زنان جدا کرد و به آنان فرمود:

ای زنان پیامبر, شما همانند هیچ یک از زنان نیستید, اگر تقوا پیشه کنید. پس در سخن نرمی نکنید که فرد بیماردل به طمع افتد و به نیکی سخن بگویید و در خانه هایتان آرام گیرید و همانند روزگار جاهلیت پیشین، زینت نمایی نکنید. (احزاب: 32 و 33)

رسول خدا صلی الله علیه و آله از همسران خود می خواست که حتی در برابر ابن مکتوم که نابیناست، رو بگیرند و در پس پرده بمانند. از ام سلمه روایت شده است:

من و میمونه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که ابن مکتوم وارد شد. این حادثه پس از دستور به حجاب بود. پیامبر فرمود: «در پس پرده حجاب بروید». گفتیم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ، آن، نابینایی است که ما را نمی بیند. فرمود: «آیا شما نیز نابینایید؟ آیا شما او را نمی بینید؟»(1)

تأکید بیشتر بر حجاب همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله

به دلیل موقعیت ویژه همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله , احکام تکلیفی همسران آن حضرت با زنان دیگر متفاوت بود و شدت بیشتری داشت. ازاین رو, ابتدا خداوند، آنان را به تقوا فرا خواند که شرط لازم برای ایجاد مصونیت در قبال خطرها و آسیب های اجتماعی است. سپس به آنان دستور داد در سخن گفتن با منافقان بیماردل, خضوع نداشته باشند؛ زیرا فروتنی همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر منافقان، موقعیت ممتاز آنان را به خطر می اندازد.

1- 1. وسائل الشیعه ، کتاب النکاح ، باب 109، ح 5.

دستور دیگر خداوند به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله این است که در خانه بمانند. استاد مطهری می نویسد:

اسلام عنایت خاصی داشته است که زنان پیامبر در زمان حیات آن حضرت و چه بعد از وفات ایشان در خانه های خود بمانند. و دراین جهت، بیشتر منظورهای اجتماعی و سیاسی در کار بوده است... .(1)

بنابر مفاد این آیه زنان پیامبر نباید به کاری دست بزنند که مستلزم خروج آنان از حرم پیامبر باشد نظیر کاری که عایشه کرد. با وجود نزول این آیه، پیامبر در جنگ ها و مسافرت ها, به قید قرعه, یکی از همسرانش را با خود می برد. این سیره نبوی نشان می دهد که خداوند خواستار خانه نشینی همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله نبود, بلکه منظور این بود که از حریم رسول خدا صلی الله علیه و آله خارج نشوند.

حجاب فاطمه زهرا سلام الله علیها

حضرت فاطمه سلام الله علیها , نمونه عالی عمل به فریضه الهی حجاب است. وقتی آیه معروف حجاب نازل شد, حضرت زهرا سلام الله علیها به عنوان یکی از مخاطبان مستقیم آیه، در عمل به این فریضه پیش تاز بود و به الگویی ربانی برای جامعه بشری بدل گشت, به گونه ای که مظهر عفاف و حجاب گردید و با معرفی الگوی عملی, مسئله عفاف و پوشش را تبیین و ترسیم کرد. ایشان

1- 1. مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار) ، ج 19، ص 582.

نشان داد که زن باحجاب می تواند با حفظ سرمایه خود که عفاف و حیاست، در جامعه اثرگذار و تحول آفرین باشد. حضرت فاطمه سلام الله علیها به زنان نشان داد که باید دغدغه حفظ حریم و حجاب را داشته باشد و این دغدغه در زندگی زن مسلمان نمود یابد. مقنعه، عبای سیاه و عبای سفید جزو لوازم ضروری جهیزیه ایشان بود.

بر اساس گزارش های تاریخی، هنگامی که حضرت می خواست به مسجد برود و برای سخنرانی در حضور خلیفه زمان و مردم حاضر شود، مقنعه اش را پوشید و خود را میان عبا قرار داد و سر و صورت و دیگر اعضای بدنش را پوشاند. لباس هایش به گونه ای بلند بود که هنگام راه رفتن, پایش را به دامن آن می نهاد. بعد پرده ای در مقابل آن حضرت کشیده شد و نشست و سخنرانی کرد.(1) حتی آن حضرت برای پوشاندن قامت بی جانش, پس از شهادت، نگران بود و در وصیت خود چنین فرمود:

برای من تابوتی تهیه کن که هنگام حمل جنازه، بدنم پیدا نباشد و ساختمانش چنین و چنان باشد.(2)

این گزارش تاریخی به خوبی روشن می کند که حجاب مورد نظر اسلام فقط پوشاندن اعضای بدن غیر از صورت و دست ها نیست, بلکه چیزی فراتر از آن؛ یعنی نمایان نشدن برجستگی های بدن است.

1- 1. الاحتجاج ، ج 1، ص 98.
2- 2. بحارالانوار ، ج 43، ص 192، به نقل از: حجاب از دیدگاه قرآن و سنتٌ ص 52.

آن روز که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام علی علیه السلام در آغاز زندگی مشترک خود برای تقسیم کار نزد رسول گرامی اسلام شتافتند. و از آن حضرت کسب تکلیف کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه سلام الله علیها را مأمور انجام کارهای داخل خانه کرد و علی علیه السلام را نیز مأمور امور خارج از خانه ساخت. دختر پیامبر از این تقسیم کار فوق العاده خوش حال شد و چنین اظهار داشت:

جز خدا کسی نمی داند که من از این تقسیم کار چه قدر خوش حال شدم؛ زیرا پدرم, رسول خدا مرا از رو در رویی با مردان معاف داشته است.

این حدیث نشان دهنده وجود روحیه عفاف در حضرت زهرا سلام الله علیها است و اینکه ایشان به اختلاط با مردان تمایل نداشت.(1) همچنین آن حضرت در پاسخ به پرسش پیامبر که پرسید: «چه روش و سیره ای برای زندگی بانوان بهتر است؟» فرمود: «بهترین زنان کسی است که نه آنان مردان را ببینند و نه مردان آنان را». پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وی را تحسین کرد و فرمود: «إن فاطمه بَضعَهُ مِنی».(2)

این روایت، گویای این حقیقت است که در قاموس فرهنگ فاطمه سلام الله علیها ، خیر برای زنان این است که تا هنگامی که ضرورتی پیش نیامده است, با

1- 1. همان.
2- 2. بحارالانوار , ج 100, ص238.

نامحرمان ارتباط برقرار نکنند. به طور، کلی حضور زنان در عرصه جامعه و ارتباط ایشان با نامحرمان ضرورتی ندارد و مطلوب ترین سیره برای بانوان، حضور در خانه و رسیدگی نیکو به همسران و تربیت دینی فرزندان است. البته در شرایط عادی، دیدار زنان با مردان, ممنوعیت شرعی و قانونی ندارد و آنها می توانند با رعایت ارزش های اسلامی و اخلاقی, به عرصه های اجتماعی وارد شوند. ازاین رو, حکم بیان شده در روایت، سفارشی اخلاقی ترجیحی است, نه حکمی قانونی تکلیفی.(1)

1- 1. محمدتقی مصباح یزدی، چشمه ای از زلال کوثر ، ص 93، تحقیق و نگارش: محمدباقر حیدری، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1380، چ 1.

فصل ششم: آرایش و زینت از دیدگاه رسول اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

پیش از پرداختن به مسئله آرایش و زینت از دیدگاه رسول اعظم صلی الله علیه و آله لازم است به مفهوم آرایش و زینت نگاهی اجمالی داشته باشیم.

مفهوم آرایش و زینت

آرایش در لغت نامه دهخدا به معنای زیر آمده است:

اسم مصدر آراستن, زینت, زیور, جمال. و آرایش کردن به معنای آراستن و جلوه کردن آمده است.(1)

همچنین زینت را آرایش و زینت کردن را آرایش کردن, پیراستن و بزک کردن معنی کرده اند.(2) بر اساس این مفهوم، بدن زن زینت به شمار می آید.

آرایش، امری فطری و طبیعی است و گرایش فطری زن به آرایش، آثار روانی بسیار مثبتی برای وی دارد.

1- 1. علی اکبر دهخدا, لغت نامه دهخدا , ج2, انتشارات دانشگاه تهران، 1377، چ 2.
2- 2. همان, ج25, ص651

بی میلی به آراستگی و آرایش، نشانه اختلال شخصیتی و روانی در فرد است. فرد ژولیده و بی رغبت نسبت به آرایش، برای خودش ارزش قائل نیست.

بر این اساس، پوشیدن جامه زیبا، بهره گیری از مسواک و شانه زدن مو، خوش بو بودن، استفاده از انگشتر و آراستن خویش هنگام عبادت جزو مستحبات مؤکد است.

جایگاه زیبایی و آرایش

سه زن محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله شرف یاب شدند و از شوهران خود شکایت کردند. یکی از آنان نسبت به خودداری شوهرش از کاربرد بوی خوش گله داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله بی درنگ درحالی که به نشانه خشم, ردایش را به زمین می کشید، از خانه به مسجد رفت و بر منبر آمد و فریاد کرد: «چه می شود گروهی از یاران مرا که ترک گوشت و بوی خوش و زن کرده اند؟ همانا من هم گوشت می خورم و هم بوی خوش به کار می برم و هم از زنان بهره می گیرم و هر کس از [شیوه] من روی گرداند، از من نیست».(1)

1- 1. اصول کافی ، باب الزی و التجمل، ج 5، ص 119.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد اصحاب می رفت، به آینه نگاه می کرد و موهای خود را شانه می زد و مرتب می کرد و می گفت: «خداوند دوست دارد وقتی بنده اش به نزد دوستانش می رود، خود را آماده و زیبا سازد».(1)

قرآن کریم نیز آفرینش وسایل تجمل را از لطف های خدا نسبت به بندگانش می داند.(2) همچنین اسلام، زنی را که کوتاهی می کند و خود را برای شوهرش نمی آراید، سرزنش کرده است.(3) رسول گرامی اسلام فرمود:

پاکیزه باشید و خودتان را شبیه یهود نکنید. زنان یهودی که زناکار شدند، بدان جهت بود که شوهرانشان کثیف بودند(4) و کسی به آنها رغبت نمی کرد. ازاین رو، در آموزه های دینی تأکید شده است که خودتان را پاکیزه کنید تا زنانتان به شما متمایل گردند.(5)

اهتمام رسول خدا صلی الله علیه و آله به زینت و آرایش زنان، نشان دهنده وجود مصالح فردی و اجتماعی است؛ زیرا شارع مقدس, قوانین و دستورهای دینی را بر اساس مصالح فردی و اجتماعی وضع می کند و در هر امری

1- 1. میزان الحکمه ، ج 1، ص 414.
2- 2. اعراف:31 و 32.
3- 3. بحارالانوار ، ج70، ص 122.
4- 4. وسائل الشیعه ، ج 3، ص 355.
5- 5. پرتوی از پیام پیامبر , ص86.

که مصلحتی وجود داشته باشد، احکام متناسب را به صورت واجب یا مستحب صادر می کند .

دستورهای اجمالی در باب زینت

از آن جا که در امر زینت، مصالحی برای انسان به ویژه زنان نهفته است، شارع مقدس آن را مستحب دانسته و دستورهایی در این راستا صادر کرده است. البته این دستورها، ایجابی و سلبی اند. در بعد ایجابی، افراد مؤمن باید آراسته باشند و از زینت حتی هنگام عبادت استفاده کنند. شرع مقدس، به زنان بیش از سه روز اجازه ترک زینت نداده است. پیامبر فرمود:

لا یَحلُ لِامرَأهٍ تؤمِنُ باللهِ وَ الیَوم الآخِرِ اَن تَحُدَّ عَلَی مَیِّتٍ فَوقَ ثَلاثِ لَیالٍ إلّا عَلَی زَوجٍ اَربَعَهَ اَشهُرٍ وَ عَشرا؛(1)

برای زنی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، جایز نیست برای مرده ای بیش از سه روز آرایش را ترک کند، مگر برای زوج خود که واجب است چهار ماه و ده روز آرایش نکند.

پیامبر در جایی دیگر فرمود:

1- 1. شرح اللمعه الدمشفیه ، ج2، کتاب الطلاق ، التراث العربی، ص 424.

ان الله یحب من عبده اذا خرج الی اخوانه ان تهیاء لهم و یتجمل.(1)

همانا خداوند دوست دارد بنده اش وقتی برای دیدار برادرش خارج می شود، خود را آماده کند و برای آنان زیبا سازد.

بر اساس سخن تاریخ نگاران، حضرت نه تنها مخالف زیبایی و آرایش نبود، بلکه بر آن تأکید می ورزید و حتی رهنمودهایی نیز برای زیباسازی ارائه می کرد. توجه به این گزارش ها, به خوبی نمایانگر جایگاه آرایش و زیبایی از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در این بخش, به بیان نمونه هایی از این موارد می پردازیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر به زنی به نام ام عطیه که آرایشگر بود, گفت: ای ام عطیه, وقتی دختری را آرایش می کنی، صورتش را با پاره پارچه پاک مکن. بی شک, تکه پارچه, جلوه چهره را می گیرد.(2)

این جریان نشان دهنده توجه رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به آرایش و زیبایی و بهداشت پوست برای حفظ زیبایی است. همچنین از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

1- 1. میزان الحکمه ، ج 1، ص 414.
2- 2. کافی ، ج 5، ص 118؛ ج 6، ص 38؛ تهذیب ، عبدالقادر بدران، ج 6، بیروت، دارالمیسره، 1398 ه_.ق، چ2، ص 361، ح 156؛ ج 7، ص 446، ح 49.

زن آرایشگری محضر رسول گرامی اسلام وارد شد. حضرت از جمله سفارش هایی که به وی کرد، این بود که برای زیباتر شدن زنان، گیسو را به گیسو گره مزن.(1)

رهنمودهای حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره مظاهر زینت بسیار جالب است. امام صادق علیه السلام نقل می کند:

پیامبر فرمود: «طعطر زنانه باید خوش رنگ و دارای بوی ملایم باشد و عطر مردانه باید کم رنگ و از بوی تندی برخوردار باشد».(2)

پیامبراعظم صلی الله علیه و آله درباره زینت و آرایش، به تفاوت میان زن و مرد توجه ویژه ای داشت. همچنین به مردان دستور می داد ناخن خود را کوتاه کنید و به زنان می گفت ناخن خود را کوتاه نکنید و برای زینت, کمی ناخن خود را بلند نگه دارید.(3)

پیامبر درباره موی سر زنان که یکی از جلوه های زیبایی است، چنین فرمود:

1- 1. کافی ، ج 5، ص 119.
2- 2. وسائل الشیعه ، ج 1، ص 444، باب 13، ابواب آداب الحمام.
3- 3. وسائل الشیعه ، ج 1، باب 81، ح 1.

اذَا اَحَبَّ اَحدَکم اَن یَتَزَوَّجَ اِمرَأَهَ فَلیَنظر اِلی شِعرِها کَمَا یَنظر اِلی وَجهِها فَاِنَّ الشَّعرَ اَحَدا الجَمالَین. (1)

هنگامی که یکی از شما دوست داشت با زنی ازدواج کند، پس به موی سرش نگاه کند، همان گونه که به صورتش نگاه می کند؛ زیرا موی زن یکی از زیبایی هاست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به زنان اجازه می داد تا موهای خود را با رنگ بیارایند. ایشان به زنان همسردار فرمود خود را با رنگ برای شوهرانشان آرایش دهند و زنان بی همسر را دستور داد تا دست های خود را حنا ببندند تا به دست های مردان شباهت نداشته باشند.(2)

بر اساس سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله ، زینت و تجمل در نظر شارع مقدس, محبوب است و از جمله مستحبات، زینت به قصد اظهار نعمت های الهی است. توجه به زینت، تخلق به اخلاق الهی است. ازاین رو, پیامبر می فرمود: «ان الله جمیل و یحب الجمال».(3)

در سیره نبوی، مسئله زینت و توجه به وضع ظاهر چنان مهم است که حضرت به کسانی که به این امر بی توجه بودند، اعتراض و با آنان برخورد می کرد. ابن عباس نقل می کند:

1- 1. الخطیب العدنانی، الملابس و الزینه فی الاسلام ، مؤسسه الانتشار الاسلامی، 1999 م، چ 1.
2- 2. وسائل الشیعه، ج 1، ص 444، باب 13، ابواب آداب الحمام.
3- 3. تفسیر مجمع البیان ، ج 4، ص 673.

زنی نزد پیامبر آمد تا با آن حضرت بیعت کند، ولی چون خضاب نکرده بود، پیامبر با او بیعت نکرد تا آنکه خضاب کرد.(1)

در جایی دیگر از وی نقل شده است:

پیامبر به یکی از همسران خود که مویی ژولیده و ظاهری ناآراسته داشت، تذکر داد و به وضع ظاهری او اعتراض کرد.(2)

در روایتی آمده است:

شخصی به نام ابوریحانه به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله , من زیبایی را دوست دارم، حتی زیبایی کفش را. آیا این از تکبر است؟ حضرت فرمود: «خداوند زیباست و زیبایی را می پسندد و دوست دارد که اثر نعمت خود را در بنده اش ببیند».(3)

از منظر دین، هزینه کردن برای زینت و آرایش جزو امور ضروری و لازم است و حتی این امر از انفاق در راه خدا پسندیده تر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصایای خود به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

دِرهَمٌ فِی الخِضابِ اَفضَلُ مِن اَلفِ دِرهَمِ فی سَبیلِ اللهِ و فیه اَربَعَ عَشَرَةً خَصلَةً.(4)

1- 1. حدود پوشش و نگاه در اسلام، ص 122.
2- 2. اصول کافی ، باب الزی و التجمل، ج 5، ص 118.
3- 3. صادق احسان بخش، آثار الصادقین ، ج 2، قم، دارالعلم، 1366، ص 312.
4- 4. وسائل الشیعه , ج2, ص85.

هزینه یک درهم برای خضاب ارزش مندتر از هزینه هزار درهم در راه خداست و در خضاب کردن چهارده ویژگی است.

دلیل این سخن پیامبر، وجود آثار مثبت خضاب است. آن زمان که پیامبر فهرست جهیزیه دخترش را تهیه کرد، عطر جزء یکی از کالاها بود. این موضوع نشان دهنده اهمیت مسئله زینت است. همچنین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده است:

احسنوا لباسکم و اصلحوا رحالکم حتی تکونوا کانکم شاته فی الناس.(1)

زیبا لباس بپوشید و مرکب خوب سوار شوید تا در نگاه مردم خوب جلوه کنید.

سفارش برای بهره مندی از عطر، خضاب، مسواک و داشتن لباس پاکیزه، همه بر استحباب مسئله زینت دلالت دارد.

1- 1. میزان الحکمه ، ج 1، ص 414.

دستورهای سلبی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره زینت

اشاره

شارع مقدس، زینت و آرایش را به عنوان امری محبوب, برای زنان مطرح و در این راستا رهنمودهای لازم را ارائه کرد به موازات تأکید بر زینت و زیبایی، توجه دین داران زنان را همچنین به بخش آسیب زای زینت هم جلب کرده اند و دستورهای سلبی هم در این راستا بیان داشته است که به بخشی از آنها اشاره می کنیم:

1- آشکار نکردن زینت

از عنوان های مهمی که حکم استحباب زینت را به حرمت تغییر می دهد، آشکار کردن زینت است که قرآن کریم از این عمل نهی فرموده است: «لا یُبدِینَ زِینتَهُن إِلا ما ظَهَرَ مِنْها » (نور: 31).

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند:

اَیُّ اِمرَأَهً تَطَیَّبَت وَ خَرَجَت مِن بَیتِها فَهِی تُلعَنُ حَتی تَرجِعُ اِلی بَیتِها مَتی مَا رَجَعَت.(1)

هر زنی که عطر بزند و از خانه خارج شود، لعنت بر او فرستاده می شود تا زمانی که به خانه بازگردد.

2- تبرج بیمارگونه

1- 1. وسائل الشیعه ، ج 14، باب 80، ح 4، ص 114.

یکی از ویژگی های مهم زنان، خودآرایی و خودنمایی است. در دین مبین اسلام، از این ویژگی با واژه «تبرج» یاد می شود که با توجه به معنای لغوی این واژه، بهتر می توان به تعریف خودآرایی پرداخت. در فرهنگ نامه ها, معانی زیر برای تبرج آورده شده است:

الف) جلوه گری و عرضه زیبایی ها؛(1)

ب) خودنمایی در برابر مردان؛ (2)

ج) تبرج از ماده برج، به معنای ظهور و آشکار ساختن است و به زنی که زیبایی هایش را در برابر نامحرم ظاهر می سازد، گفته می شود. (3)

بنابراین, خودآرایی و خودنمایی مترادف بوده و به معنای تبرج است. از نظر روان شناختی، خودآرایی یکی از نیازهای اصیل و فطری زن به شمار می آید و باید مورد احترام و توجه مرد قرار گیرد تا به علت پاسخ نگفتن به این نیاز فطری، آسیب های روحی _ روانی بر زن وارد نشود. (4)

1- 1. احمد المقری القیومی، مصباح المنیر ، ج 1، ص 420.
2- 2. طاهر احمدزادی، ترتیب القاموس المحیط ، ج1، ص 240.
3- 3. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ، ج 1، ص 227.
4- 4.مریم معین الاسلام و ناهید طیبی، روان شناسی زن در نهج البلاغه ، قم، عطر سعادت، چ 2، 1380، ص 217.

زنان از نظر روانی، دارای ویژگی دیگرخواهی هستند و همین موجب خودآرایی در آنان می شود. در واقع, زنان به عرضه زیبایی خود نزد دیگران بیش از خود زیبایی علاقه نشان می دهند. ازاین رو، در محیط خانه کمتر به زیبایی های خود توجه دارند، ولی هنگامی که در مجالس و محافل عمومی شرکت می کنند, نسبت به زیبایی و آراستگی اهتمام بیشتری می ورزند. (1)

«تجربه نشان داده که اگر این حس تبرج و خودآرایی زنان در [داخل محیط خانواده] خود و هم جنس های آنها با آزادی کافی همراه باشد، آنها خود را از خودآرایی در مناظر عمومی و محضر بیگانگان بی نیاز می یابند.»(2) مردان باید به نیاز زیباپسندانه زنان اهمیت بدهند و آن را سرکوب نکنند تا به صورت ناهنجاری روانی ظاهر نشود. اگر زنان برای برآوردن این نیاز فطری در محدوده خانواده آزاد باشند، خودآرایی به صورت منفی در جامعه گسترش نخواهد یافت.

«از نظر روان شناسی جنسی ثابت شده است که تحریک پذیری مرد در برابر محرک های بصری بسیار بیشتر از [دیگر] محرکات است. در صورتی که زن در برابر محرکات لمسی

1- 1. همان.
2- 2 . مقدمه ای بر روان شناسی زن ، ص 113.

حساسیت بیشتری دارد. خصلت مرد, چشم چرانی و خصلت زن, خودآرایی است. تبرج از ویژگی های عاطفی هر زن است و کمتر اتفاق افتاده که مردان با لباس های بدن نما خارج شوند».(1)

اکنون که به فطری بودن این ویژگی در زنان پی بردیم، لازم است که به تحدید و تعدیل آن بپردازیم. خودآرایی به شکل افراطی, نوعی بیماری است که با عشوه گری و طنازی و دل ربایی از آن یاد می شود و ناشی از فشارهای روانی فرد است.

لمبروز، روان شناس معروف در کتاب روح زن چنین نوشته است:

وقتی که زن، مرد را نسبت به خود علاقه مند دید و به سوی او متمایل شد، منظور اصلیِ او در عشوه گری و خودنمایی از بین می رود, چنان که مشاهده می شود زنانی که به شوهر و کودکان خود علاقه دارند, به کلی از این عالم (عشوه گری و دلبری افراطی و مذموم) برکنار می باشند و اگر زنی دیده شود که شیوه خودنمایی را پیشه کرده، فقط به این دلیل

1- 1. مجتبی رکاوندی، روان شناسی زن ، ص 222.

است که پاسخ عواطف درونی خویش را نزد شوهرش نیافته است.(1)

بارها در مجامع زنانه دیده شده که سرخوردگی های عاطفی و بی توجهی مردان به هنر، زیبایی و استعداد و سلیقه زنان, سبب خودنمایی بیمارگونه زنان شده است، ولی خودآرایی متعادل و منطقی که لازمه زندگی سعادت مندانه است، محصول فطرت و نهاد و سرشت زنان بوده و قابل احترام و تحدید و برنامه ریزی است. در دین اسلام، تأکید فراوانی بر آرایش زن برای مرد شده و این کار, وسیله ای برای برآوردن نیاز زن به خودآرایی است.

یکی از راه های تعدیل و تحدید خودآرایی، گزینش پوشش مناسب است. تأکید فراوان ادیان الهی بر حجاب برای زنان، به علت وجود غریزه ها و نیازهای ویژه زنان است. اگر برای خصلت خودآرایی زنان که سبب عشوه گری می شود، حکم حجاب ارائه نشود، زنان با غریزه های کنترل نشده و نامتعادل و تحت تأثیر شرایط ویژه اجتماعی، بهداشت روانی را ویران می کنند، ولی با حجاب و پوشش مناسب, چارچوب مشخصی برای بهره مندی از این ویژگی ذاتی, تعیین می شود

1- 1. جینا لمبروز، روح زن، ج 1، ترجمه: پری حسام شهرئیس، تهران، انتشارات دانش، 1362، ص 48.

که از پیدایش فساد اجتماعی و روانی جلوگیری می کند. از نظر روان شناختی، نداشتن پوشش مناسب، جوانان را نسبت به زنان بی اعتماد می کند و رغبت و گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده در آنها ایجاد نمی شود. از طرفی, حس انتقام جویی و کینه توزی مرد نسبت به مردان دیگری که بی شرمانه همسر یا خواهر او را نظاره می کنند، برانگیخته می شود و آسیب های روانی را به وجود می آورد.(1)

آسیب های روانی، اجتماعی و اقتصادی تبرج سبب نزول آیه «لاتبرُّجنَ تَبرُّج الجاهلیهِ الاولی ...» (احزاب:33) شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره کسانی که پوشیدن لباس زیبا را نشانه شخصیت می دانند و با پوشیدن آن، خود را از دیگران برتر احساس می کنند و انتظار دارند همه چشم ها دنبال آنها باشد و همه حسرت لباس آنان را بخورند و آنها را خوش بخت به شمار آورند، می فرماید:

مَن لَبِسَ ثَوباً یباهیَ بِهِ لِیَراهُ النَّاسُ لَم یَنظُرِ الله اِلَیهِ حَتی یَنزَعه.(2)

هر کس لباسی بپوشد که به وسیله آن بر مردم مباهات و تفاخر کند، خداوند به او (به نظر رحمت) نمی نگرد تا اینکه لباس را از تن در بیاورد.

مَن لَبِسَ ثِیَابَ شُهرَهٍ فِی الدُّنیا اَلبَسَهُ الله لِباسَ الذّل یَومَ القِیامه. (3)

1- 1. ر.ک روان شناسی زن در نهج البلاغه ، صص 217 و 221.
2- 2. میزان الحکمه ، ج 8، ص 481.
3- 3. بحارالانوار , ج79, ص314.

هرکس در دنیا لباس شهرت بپوشد(لباسی که با آن مشهور شود), خداوند در روز قیامت, لباس خواری بر او می پوشاند.

همچنین پیامبرخدا صلی الله علیه و آله نهی کرده است که لباس برای مباهات بر مردم پوشیده شود. ایشان در این باره می فرماید:

3- آرایش برای غیرشوهر

همان گونه که گفته شد، در آموزه های دینی بر آرایش و زینت بسیار تأکید و به میل طبیعی زنان به خودآرایی و خودنمایی توجه شده است, ولی آنها را از اینکه برای غیرهمسر خود زینت کنند، منع کرده اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در فرازی از روایتی می فرماید:

اِنَّ مِن خَیرِ نِسَائَکُم... اَلمُتَبَرَّجَهَ مِن زَوجِها الحصَانَ عَن غَیرِه.(1)

بهترین زنان شما، زنی است که... برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، ولی خود را از نامحرمان بپوشاند.

آن حضرت, آرایش و زینت زن، برای شوهر را از حقوق شوهر بر همسر می شمرد و می فرماید:

علیها اَن تَطَیَّبَ بِاَطیَبِ طیبِهَا وَ تَلبَسَ اَحسَنَ ثیابِها وَ تَزَیَّنَ بِاَحسَنِ زِینَتِها.(2)

1- 1. بحارالانوار ، ج 103، ص 235.
2- 2. وسائل الشیعه ، ج 14، ص 112، ح 2.

از جمله حقوق شوهر بر همسر این است که خود را به بهترین عطرها خوش بو کند و بهترین لباس هایش را بپوشد و خود را به بهترین صورت تزیین کند.

در حدیث معروف مناهی نیز آمده است:

وَ نَهَی اِن تَتَزَیَّنَ لِغَیرِ زَوجِها، فَاِن فَعَلَت کانَ حَقّاً عَلَی اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ اَن یُحرِقَها بِالنَّارِ.(1)

پیامبر از اینکه زن برای غیرشوهرش آرایش کند، نهی کرد. اگر زن چنین کند، بر خداوند حق است که او را با آتش بسوزاند.

واژه شناسی عفاف

عفاف با فتح حرف اول، از ریشه عفت است. راغب اصفهانی در مفردات، عفت را این گونه معنا می کند:

عفت, پدید آمدن حالتی برای نفس است که به وسلیه آن از فزون خواهی شهوت جلوگیری شود. (2)

ابن منظور در لسان العرب، عفت را «خویشتن داری از آنچه حلال و زیبا نیست» معنا می کند.(3) در لغت نامه دهخدا، عفاف، پارسایی و

1- 1. همان ، ج 14، ص 117، ح 4.
2- 2. راغب اصفهانی، معجم المفردات ، ص 350.
3- 3. ابن منظور، لسان العرب، ج 9، ص 253.

پرهیزکاری معنا شده است(1) و معین نیز در فرهنگ فارسی معین, عفاف را به همین معنا آورده است.(2)

عفت، نوعی منش و رفتار درونی است, ولی نمود عینی و رفتاری نیز دارد. ازاین رو، به فردی عفیف می گویند که این حالت در رفتار او آشکار باشد.

پیوند حجاب و عفاف از دیدگاه دین

حجاب زیرمجموعه عفت است. با پوشش، حجاب محقق می شود، ولی تحقق عفاف به صرف پوشش نیست. پوشش همراه با اعمالی چون ناز و عشوه و نگاه به نامحرم، پوششی غیرعفیفانه است.

عفاف, حالتی درونی است و حجاب به ظاهر و شکل برمی گردد؛ یعنی یکی, ظاهری و دیگری, باطنی است. میان حجاب و عفت، تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. هرچه حجاب و پوشش ظاهری, بیشتر و بهتر باشد، این کار در تقویت و پرورش درونی عفت اثرگذارتر است و هرچه عفت درونی تر باشد، سبب حفظ حجاب ظاهری می شود. حجاب، میوه عفاف و عفاف, ریشه حجاب است.

1- 1. لغت نامه دهخدا ، ج 10، ص 14081.
2- 2. محمد معین، فرهنگ فارسی معین ، ج 2، تهران، انتشارات امیرکبیر،1364، چ 7، ص 2319.

حجاب مقتضی حیا و عفت است و زمانی که حیا و عفت به درجه کمال رسید، ایجاب حجاب می کند. امام علی علیه السلام می فرماید: «بِالعَفَافِ تَزکُو الاَعمالُ؛ با عفاف اعمال پاک می شود».(1)

آنچه سبب تحقق کارکردهای حجاب در جامعه می شود، پوشش عفیفانه است، وگرنه پوشش بدون عفاف نمی تواند برای فرد و جامعه، آثار و برکاتی داشته باشد. هرگاه این دو با هم بودند، خیر پدید می آید.

ازاین رو، متولیان فرهنگی باید تدبیری بیندیشند که حریم عفاف و حیا

حفظ شود و توجه داشته باشند که جامعه عفت شکن نمی تواند در برابر هیچ خطری مصون باشد. به همین دلیل, پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در رهنمودها و نیز سیره عملی خویش، بر جلوگیری از اختلاط زن و مرد هنگام رفت و آمد تأکید داشت؛ زیرا این مسئله در شکسته شدن حریم عفاف بسیار اثرگذار است. با توجه به اینکه زنان در نماز جماعت شرکت می کردند، روزی پیامبر به یکی از درها اشاره کرد و فرمود: «خوب است این در را به زنان اختصاص دهیم».(2)

1- 1. میزان الحکمه ، ج 3، ص 2008.
2- 2. سنن ابی داوود ، ج 1، ص 109، به نقل از مسئله حجاب، ص 233.

از امام علی علیه السلام نقل می کنند که روزی با گروهی از اصحاب نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بودند. پیامبر از آنان درباره اینکه چه چیز برای زنان بهتر است، پرسید و کسی پاسخی نداد. تا اینکه حضرت علی علیه السلام به خانه فاطمه سلام الله علیها آمد و شرح ماجرا را گفت. فاطمه سلام الله علیها فرمود:

خَیرٌ لِلنِّساءِ اَن لایَرْیَنَ الرِّجالَ و لایَراهُنَّ الرِّجالُ.(1)

برای زنان بهتر است که مردان را نبینند و همچنین مردان آنها را نبینند.

وقتی حضرت نزد پیامبر برگشت و ماجرا را بیان کرد، رسول الله صلی الله علیه و آله از این پاسخ حضرت زهرا سلام الله علیها شادمان شد. پیامبر درباره روش گذشتن زنان از خیابان فرمود:

لَیسَ لِلنِّساءِ مِن سروات الطَّریقِ شَیءٌ و لَکِنَّهاَ تَمشِی مِن جَانِبِ الحایِطِ وَ الطَّرِیقِ.

زنان از وسط کوچه و خیابان نگذرند، بلکه از کنار و حاشیه بگذرند.(2)

همچنین پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در ماجرای بیعت با زنان از آنها بیعت گرفت که با مردان بیگانه خلوت نکنند.(3)خلوت با مردان، حریم شکن است و به دژ مستحکم حیا و عفاف آسیب وارد می کند. ازاین رو,

---

1- 1. وسائل الشیعه ، ج 14، ص 43 و 172.
2- 2. وسائل الشیعه ، ج 14، ص 132.
3- 3. وسائل الشیعه ، ج 12، ص 144.

پیامبر از زنان درباره این موضوع بیعت گرفت که از اهمیت حفظ حریم عفاف حکایت دارد.

کوتاه سخن آنکه عفاف و حجاب, دو واژه در هم تنیده است که تفکیک آنها امکان پذیر نیست و یکی از نشانه های عفاف، پوشش است و عفاف بدون پوشش قابل تصور نیست و نمی شود به مرد یا زنی که عریان یا نیمه عریان در جامعه ظاهر می شود، عفیف گفت. به هرحال، پوشش نشانه عفاف است و اساسی ترین فلسفه معنوی پوشش در میان اقوام و ملل، حفظ این ویژگی است. اینکه برخی القا می کنند بین عفاف و حجاب می توان تفکیک قائل شد، القایی شیطانی است؛ زیرا فاصله انداختن میان ارزش ها با نمودهای عینی آن، به معنای ذبح ارزش ها به گونه ای زیرکانه و مزورانه است. اگر قرار باشد حجاب از عفاف, جدا و روی مسئله عفت بدون حجاب تأکید شود، معنای آن چیزی جز گرفتن عفت از زنان نیست. در یک جمله می توان گفت که حجاب, میوه عفاف است و به بیان دیگر، فردی که از ملکه عفاف برخوردار باشد، از درون خویش، پیام پوشش عفیفانه و حجاب را می گیرد.

ص: 95

نابودی عفاف و حجاب, ارمغان مدرنیته

اشاره

در برابر طرح نبوی، برای حضور اجتماعی زنان که همانا پاسداشت حجاب و عفاف بود، طرح دیگری شکل گرفت که ره آورد آن, نابودی عفاف و حجاب در جامعه است. بنیان های اساسی این طرح مبتنی بر نفی تمام تفاوت های میان زنان و مردان و تأکید بر این تفکر است که دختران در جامعه باید آموزش هایی ببینند که بر اساس آن بتوانند نقش هایی را که جامعه ویژه مردان می داند، برعهده بگیرند.

خانواده به عنوان اساسی ترین نهاد جامعه، مورد تهاجم جدی قرار گرفت و نقش مادری و همسری که از زیباترین نقش های عالم هستی است، به عنوان نقش سنتی و عاملی برای به بند کشیدن و محدود کردن آزادی زنان مطرح گشت.

اکنون از دیدگاه زنان فرهیخته ای که از نزدیک, آثار این گونه اندیشه ها را تجربه کرده اند، دستاوردهای این تفکر را بررسی می کنیم و داوری درباره آن را به خوانندگان محترم می سپاریم.

خانم سوزان فالودی درباره اینکه مجموعه این تلاش ها جز بدبختی, ارمغان دیگری برای زن هویت باخته امریکایی نداشته است، می نویسد:

در پشت این سرور و بزرگداشت پیروزی زنان در امریکا و در ورای اخباری که همواره و بی وقفه تکرار می شود که

مبارزه برای حقوق زن به ثمر نشست، پیام دیگری خودنمایی می کند. این پیام به زنان می گوید: اکنون شما آزاد و برابر هستید، ولی هیچ وقت بدبخت تر از این نبوده اید.(1)

خانم بتی فریدان می گوید:

امروز تنهایی زنان مستقل، سلامتی روانی آنها را تهدید می کند. اکنون زنان به یک بحران جدید هویت مبتلا شده اند که اسم خاصی ندارد. چه طور ممکن است زنانی که در چنین مشکلات و بحران های بغرنج و خطرآفرینی به سر می برند، خوش بخت نامیده شوند. زنان، افسرده و غمگین هستند؛ چون آزادند. زنان، اسیر و برده آزادی خود شده اند. حرکت و نهضت زنان برای کسب آزادی و برابری که بارها در گوش ما زمزمه می شد، دشمن سرسخت خود زنان شده است.(2)

بشر پس از تجربه ناکامی ها و احساس تلخ بدبختی، اندوه، افسردگی و بی هویتی، به تکاپو افتاده است تا علل افول شخصیت انسانی خویش را در این جامعه مدرن و آزاد جست وجو کند. امروزه

1- 1. دبیرخانه همایش سراسری، فمینیسم در امریکا تا سال 2003 ، دفتر نشر معارف، 1383، چ 1، ص 5.
2- 2. همان، ص 9.

در غرب، کسانی برخاسته اند که نمی توانند چشم خویش را بر این حقایق ببندند. ازاین رو، جنبشی به راه انداخته اند تا به جنگ اندیشه های مخالف طبیعت و سرشت انسانی بروند. در ادامه سخن برخی اندیشمندان این جنبش، علل ناکامی های تفکر مدرنیته را در به وجود آوردن احساس رضایت و سعادت در زن غربی بررسی می کنیم:

1- تضعیف خانواده

از بدترین آثار اندیشه های فمینیستی و انسان محور که به تعبیر بتی فریدان، زنان را با بحران جدی تنهایی روبه رو کرده است، مسئله تضعیف جایگاه خانواده است.

نظریه پردازان این تفکر، با شعار ستیز زنان با ازدواج، خانواده و مردان و فرزندان, به گمان اینکه خانواده, جولان گاه اصلی میل به سلطه طلبی و استیلای مردان بر زنان است، به جنگ این نهاد طبیعی و همیشه در جریان بشری رفته اند.

پروفسور آلیسون جاگر، استاد دانشگاه سینسینانی و رئیس انجمن مقام زن در فلسفه می گوید:

باید جامعه ای بنا شود که مردان بتوانند بچه شیر دهند و تخمک های بارور شده را بتوان به بدن زنان یا مردان منتقل کرد.(1)

1- 1. مجله پویا ، ش 1.

آنان معتقدند زمانی که زن برای پرورش فرزندان صرف می کند و به بیانی دیگر, تعهد تمام وقت زن برای استحکام پایه های زندگی زناشویی، تلاشی بی ارزش است و باید وقت و انرژی زنان صرف تولید بازار شود. از سوی دیگر، یکی از آفت هایی که بنیان خانواده را متزلزل می کند و از نتایج اندیشه فمینیستی و مدرن است، خودنمایی و حضور تحریک آمیز زنان و دختران در صحنه های اجتماعی است؛ زیرا غریزه تنوع طلبی و زیباخواهی مردان متأهل با دیدن زنان بی حجاب و آرایش کرده، تمایلات جنسی آنان را شدت می بخشد و زیاده خواهی آنان سبب گرایش به سمت زنان زیباروتر می شود و در نتیجه, میزان علاقه به همسر کاهش می یابد. در این شرایط، خانواده و همسر، یگانه راه تعدیل غریزه جنسی نخواهد بود و بخشی از نیازهای جنسی از طریق نامشروع ارضا می شود. بسیاری از کج خلقی ها، بی میلی در همراهی با همسر و روابط نامهربانانه زناشویی، از ره آوردهای بدحجابی است.

از دیگر آفت های تهدیدکننده نهاد خانواده که به واسطه اباحی گری غرب، روی مردان مجرد اثر بسزایی گذاشته، گسترش تبرج و پوشش نامناسب در کنار تحریک و تشویق زنان به حضور اجتماعی است. در نظام و جامعه بی بندوبار، مردان از وجود زنان بی حجاب و متبرج، به صورت کاذب بهره مند می شوند. دیگر کمتر جوانی حاضر می شود

زیر بار هزینه سنگین تشکیل خانواده برود و دختران با اثر مستقیم آن روبه رو می شوند و از وجود همسر محروم می مانند. تفکر سرمایه داری که به سود و سرمایه بیشتر اصالت می دهد، از انواع مختلف ابزارهای تحریک کننده همچون پوشش های تنگ و چسبان، مدل های محرک غریزه جنسی، لوازم آرایشی خاص و مانند آن استفاده می کند تا ضمن آنکه نیمی از نیروهای انسانی را به عرصه های کار و می کشاند، تمایل آنان به تشکیل خانواده و تعهدات محدودکننده ناشی از آن را کاهش دهد و به وسلیه زندگی تک زیستی و هم خانگی، نیازهای جنسی را در شرایط آزاد و بدون تعهد پاسخ گوید.

خانواده، مرکز آموزش است و کودک، اولین و مهم ترین آگاهی های خود را از طریق آموزش های رسمی و غیررسمی خانواده می آموزد. تمامی امور تربیت نیروی انسانی از جمله سازمان دهی، تنظیم، کنترل، هدایت رفتاری و برنامه ریزی رشد، در خانواده صورت می پذیرد. ازاین رو، در دین مبین اسلام، برای حفظ قداست محیط خانواده و به وجود آمدن شرایط مناسب تربیت فرزند، تحریک های جنسی در برابر فرزندان نکوهش شده است. آیات مبارکه سوره نور تأکید می کند که زنان باید نسبت به میزان و ردیف محرمیت خود با مردان، پوشش مناسبی داشته باشند و افزون بر نامحرمان، نسبت به محارم خود از

جمله فرزندان، عفاف را رعایت کنند تا فضای خانواده از هرگونه جلوه گری جنسی در امان باشد.

2- نابودی عفاف

تشویق دختران غربی به آزادی در روابط جنسی سبب شده است آنان از اینکه این روابط آزاد را نداشته باشند، شرمنده باشند. ازاین رو، برای تأمین احساس رضایت و جلوگیری از سرشکستگی در برابر دوستان، برای روابط جنسی به رقابت می پردازند. خانم شلیت به وارونگی ارزش ها در این نظام فکری اشاره می کند و می گوید:

در گذشته ای نه چندان دور، دانشگاه ها از کسانی که مشتاق درس خواندن بودند، حمایت می کردند و آنها را در مبارزه با فشارهای جنسی یاری می کردند. دانشجویان مجبور بودند مخفیانه روابط جنسی برقرار کنند، ولی اکنون تو هستی که باید از بی بندوبار نبودنت شرمنده باشی، تو هستی که باید تمایلت را به عفت جنسی آن قدر محتاطانه نشان دهی که انگار هرزگی می کنی.(1)

او معتقد است مبارزه با عفت، پیش از ظهور فمینیست ها آغاز شده بود. از زمان نظریه پردازی اشخاصی چون هیوم و روسو، نگاه

1- 1. فمینیسم در امریکا تا سال 2003 , ص26

سودانگارانه به عفت، آسیب های شدیدی به این ارزش انسانی وارد کرد. آنان با القای اینکه عفت بی فایده است و هر آنچه برای انسان سود ندارد، باید کنار گذاشته شود، در بینش لذت محور و منفعت گرای خود، هیچ ارزشی برای این ویژگی طبیعی آدمی قائل نشدند. ازاین رو، روسو در سال 1758م. می نویسد:

عفت چیزی نیست. عفت فقط اختراع قوانین اجتماعی است برای حفاظت از حقوق پدران و شوهران و برای حفظ مقداری نظم در خانواده ها. چرا باید به خاطر نیازهای طبیعی مان شرمنده باشیم.

وی برخلاف باور هیوم که معتقد است «عفت برای منفعت جامعه ساخته شده است»، بر این باور است که عفت ساخته مردان بوده و با هدف بندگی و مطیع کردن زنان جعل شده است.(1)

رویکرد زنان غربی به حجاب و عفاف, دلیل ناکارآمدی تفکر مدرنیته

ناکامی های انسان در عصر حاضر، تجربه قرن ها روی گردانی از دین، اخلاق و فطرت آدمی است. شکست مدرنیته در ادعای بی نیازی از مذهب الهی و هلاکت های ناشی از اندیشه های ضددینی و اخلاقی

1- 1. همان , ص 35.

موجب شده است که حریصانه دنبال راهی برای نجات از این همه سردرگمی باشد. او امروز گم شده خود را در بازگشت به سرشت خویش و مذهب می جوید.

نویسنده کتاب نابودی عفاف، ارمغان فمینیسم می نویسد: «دلیل روآوردن بسیاری از افراد به مذهب، یافتن زندگی جدیدی است.» او گره خوردن به امور قدسی را امری مهم می داند و نتیجه می گیرد: «در حضور قدسی باید خود را پوشاند».(1) این نویسنده در جایی دیگر می نویسد: در «امریکا, انقلابی در بازگشت به پوشش های عفیفانه در حال شکل گیری است.» همچنین در مقاله ای در مجله تایم، به تاریخ جولای 1989 م. از موج عظیم حرکت به سوی عفت و محافظه کاری سخن به میان آمده و بر اساس گزارش این روزنامه، تقاضا برای لباس های پوشیده، سال به سال افزایش می یابد.(2)

خانم دایان پاسنو، نویسنده کتاب فمینیسم، راز زندگی یا اشتباه و مدیر مؤسسه مطالعات خانواده می نویسد:

به نظر ما, تلاش برای کنار گذاشتن خداوند، در جهت حذف آرا و قوانین اخلاقی از جامعه، کاری بیهوده و

1- 1. همان، ص 85.
2- 2. همان، ص 59.

بی معنی است و نتایج اسف باری چون افزایش تعداد مادران مجرد، پدران غایب، ایدز، ادبیات و فرهنگ شهوانی و سقط جنین دارد. باید به زنان بگوییم خداوند, راه نجات را که ارج نهادن به کرامت انسانی است، در شما نهفته است. اگر برای کسب ارزش و شأن به نهضت فمینیسم متوسل شوید، جز ناامیدی بهره ای نخواهیم برد.(1)

من به آنچه فمینیست ها ارائه می دهند، اعتراض دارم. سعادت و شادمانی حقیقی انسان جز از طریق ارتباط با خداوند میسر نیست. امروز روز نبرد زنان مؤمن است. اگر خداوند را بخوانید, به شما پاسخ خواهد داد. از یاد نبرید که نبرد حقیقی را خداوند رهبری می کند و شما در سپاه او سرباز کوچکی هستید.(2)

مجال برای پرداختن به این گونه باورها و رویکردهای اندیشمندان غرب نیست، ولی همین مقدار کافی است تا بدانیم رویکرد زنان اروپا به حجاب، رویکردی دینی و اخلاقی است.

اگر دختر باحجاب فرانسوی، به هیچ قیمتی حاضر نیست حجاب خویش را کنار گذارد، به این دلیل است که دریافته ارزش ها و

1- 1. همان، ص 73.
2- 2. همان .

هنجارهای دینی، یگانه راه سعادت و هدایت اوست و برای فرار از سرگشتگی و سرشکستگی، یگانه عنصر هویت بخش و عزت آفرین، آموزه های دینی و در رأس آن عفاف است.

راه کارهای استعمارگران برای حجاب زدایی

اگر بخواهیم تاریخچه حجاب زدایی در دوران اسلام را بررسی کنیم، باید ریشه این مسئله را در زمان نزول آیه حجاب بیابیم. اولین گام ها با تفسیر به رأی آیات حجاب آغاز شد و با این بیان که آیه حجاب فقط مربوط به زنان آزاده است و زنان برده، ملزم به رعایت این حکم الهی نیستند، حجاب زدایی آغاز شد. بر اساس اعتقاد برخی تاریخ نگاران و پژوهشگران, برای برداشتن حجاب از سر دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ، برنامه ای طرح کردند که این نقشه با دفاع آگاهانه و عالمانه امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب سلام الله علیها خنثی شد.

استعمارگران در طول تاریخ به صورت های گوناگون کوشیدند تا با فرهنگ حجاب مبارزه کنند. برنامه های انگلیس و فرانسه برای حجاب زدایی، در حافظه تاریخ خواهد ماند. هیچ گاه تلاش محمد آرکون، صهیونیست مسلمان نما از یاد نمی رود. او پیشنهاد اخراج دانش آموزان باحجاب را به ژاک شیراک، رئیس جمهور فرانسه داد. همچنین زلمی خلیل زاد نماینده دایم ایالات متحده امریکا در سازمان ملل متحد ،

که افغانی تبار و از مشاوران جرج دبلیوبوش است، پیشنهاد جعل احادیث مربوط به حجاب را داد. اعطای جایزه یک میلیون دلاری به فردی که روسری را از سر زن مسلمان بر می دارد و جایزه های چند میلیون دلاری به کسانی که در خط مقدم ساختارشکنی قرار دارند، از دیگر برنامه های استعمارگران است. تلاش فراوان برای حذف دین با استفاده ابزاری از زن و اینکه او کالایی جذاب است، جزو نقشه های مهاجمان است.(1)

پایین آوردن ارزش زنان در حد یک حیوان و به کارگیری آنها در آگهی های تلویزیونی، به گونه ای که در هزار شبکه، در لابه لای برنامه ها، زنان روسپی را معرفی و قیمت و شماره تماس آنها را مطرح می کنند، نمونه ای از بردگی است. جالب اینجاست که در این میان، تنها روسری زن و دختر مسلمان فرانسوی به شمار می رود.

هم چنین قرار دادن اعلامیه جهانی حقوق بشر به جای قرآن و روایات یا تهیه کتاب زمینی هیومن(2) در برابر سه کتاب آسمانی تورات،

1- 1. حسن عباسی، مقاله «حجاب در چرخه توسعه»، مجله زن شرقی، ش 18 _ 17، ص 15.
2- 2. Humen . .

انجیل و قرآن، تلاش های منسجم و هماهنگی است که در یک راستا صورت می گیرد.

مدرنیته می کوشد از زیبایی های ظاهری زن، برای زراندوزی استفاده کند و با نشان دادن زیبایی زن، سود بیشتری به دست آورد. آنها حجاب زن را مانع زراندوزی می دانند و می کوشند آن را حذف کنند؛ زیرا برهنگی, منبع درآمد نظام سرمایه داری است و از این راه می توانند به ثروت بسیاری برسند.(1)

استکبار جهانی برای دست یابی به ذخایر انسانی و اقتصادی کشورهای اسلامی، سد استواری را در برابر خود می بیند که همانا ارزش های معنوی و بنیان های عقیدتی مسلمانان است. در این میان، عالی ترین نماد دین داری و پای بندی به ارزش ها، حجاب است که بیش از ارزش های دیگر, دشمن به آن حمله کرده است. استعمارگران از سال ها پیش مبارزه با حجاب را به عنوان هدفی استراتژیک به صورت هم زمان در ترکیه، افغانستان و ایران پی افکندند.

امان الله خان در افغانستان، رضاخان در ایران و آتاتورک در ترکیه، برای مبارزه با فرهنگ حجاب, به اعدام عالمان، ممنوعیت آموزش های دینی،

1- 1. حسن عباسی، مقاله « حجاب در چرخه توسعه» ، مجله زن شرقی ، ش 17-18.

تعطیلی مراکز مذهبی, ترویج معاشرت دختر و پسر و کشف حجاب پرداختند.

همواره سیاست مذهب زدایی و کشف حجاب، با مقاومت شدید مردم روبه رو بوده است که این مقاومت همچنان ادامه دارد. نمونه زیبای آن نیز رفتار فرشته لودین، دختر مسلمان افغانی است که دوره تربیت معلم را در آلمان با موفقیت پشت سر گذاشت و هنگامی که برای اشتغال به تدریس مراجعه کرد، به خاطر داشتن روسری, با پاسخ منفی مسئولان مدارس روبه رو شد. با این حال, او خواسته آنان را برای برداشتن حجاب نپذیرفت. واکنش نمایندگان احزاب گوناگون در برابر این اقدام مجلس آلمان قابل توجه است. برای نمونه, حزب جمهوری خواه راست گرای افراطی، با ندادن مجوز کار به زنان باحجاب، موافق است و بر این باورند که معلمی که روسری به سر داشته باشد، جایش در کلاس درس آلمانی ها نیست.(1)

اوریش مائر، رئیس حزب اس.پی.دی(2) که سوسیال دموکرات است، می گوید: «به خانم لودین نبایستی اجازه داده شود که روسری سر کند؛

1- 1. سوسن صفاوردی، مجله پیام زن ، ش 12.
2- 2 . SPD .

زیرا در قرآن نوشته نشده که بایستی روسری به سر کرد». (مجله پیام زن، ش 12)

خانم آنته شاوان،(1) وزیر فرهنگ ایالت بادِن ورتمبرگ(2) معتقد است: آماده نبودن فرشته برای برداشتن روسری اش بیانگر این مطلب است که ایشان نمی خواهد قدمی در راه تساهل و تسامح بردارد».(3)

گروهی از اصحاب مطبوعات آلمان، روسری را نمادی سیاسی پنداشتند و پیشنهاد کردند که دولت آلمان باید همانند دولت لاییک ترکیه, حجاب را ممنوع اعلام کند. آنان کلاس های دینی را تهدیدی برای مغرب زمین می دانند که میراث غرب را به مخاطره می اندازد. به همین دلیل نیز به مسلمانان امکانات نمی دهند.(4)

اسلام، دومین دین آلمان به شمار می آید، ولی مسلمانان هنوز برای گرفتن کوچک ترین حقوق اسلامی خود دچار مشکل هستند. نکته قابل توجه, دلایل مختلفی است که برای توجیه ممنوعیت استفاده از روسری، از سوی نمایندگان مجلس و وزیر فرهنگ ایالت مربوطه ارائه

1- 1 . ANETE SCHAVAN .
2- 2 . Wrttemberg Baden .
3- 3 . سوسن صفاوردی، مجله پیام زن ، ش 12.
4- 4 . همان. 5. همان.

شد. آنها با ارائه دلایلی چون روسری امری واجب در اسلام نیست و زنان مسلمان دیگری هستند که روسری به سر نمی کنند یا اینکه یک خانم معلم با سر کردن روسری، وسعت دیدش محدود خواهد شد و نمی تواند ببیند سر کلاس او چه می گذرد، با این نماد مبارزه کردند.

آنان برای مقابله با این فرهنگ، تشکیل کلاس های منطبق با مبانی خود را پیشنهاد می دهند که با هدف تحریف آموزه های اسلامی و اروپایی کردن اسلام دنبال می شود. آنان می کوشند مسلمانان را به تساهل و تسامح بکشانند تا به آسانی از انجام وظایف دینی خود دست بردارند و اسلام را به گونه ای بپذیرند که غرب برای آنها تصویر می کند؛ زیرا هرگونه اصرار بر انجام وظایف دینی به منزله مشارکت نداشتن برای گسترش تساهل و تسامح بین دو فرهنگ غرب و اسلام تلقی می شود.

آنان تبلیغات و جنگ فرهنگی خود را در سطحی بسیار گسترده انجام می دهند تا شاید بتوانند مسلمانان را تغییر دهند. البته تاریخ گواهی می دهد که علمای اسلام و مردم به پیروی از آنان هرگز در برابر خواسته های استعمارگران سر تعظیم فرود نیاورده اند و از آنچه استعمارگران نسبت به آن حساسیت نشان می دهند، محافظت می کنند.

ص: 110

بزرگانی چون حضرت امام خمینی رحمه الله علیه ، سید حسن مدرس و دیگر علما در مقابل اقدام شوم رضاخان برای کشف حجاب ایستادند. اقدام علمای غیرت مندی چون حاج شیخ محمد بافقی که با دیکتاتوری رضاخان درافتاد و با نامه هایی تند و صریح، او را از کشف حجاب برحذر داشت، سبب شد که نقشه های شوم نظام سلطه نقش بر آب شود. حمایت مردم از جمله مردم شریف قم و ایستادگی آنان، اقدام رهبران دینی را تکمیل کرد. یکی از شواهد تاریخی غیرت مندی مردم مربوط به زمانی است که تاج الملوک، همسر رضاخان، شمس و اشرف پهلوی و نیز چند تن از اعضای برجسته دربار پهلوی به قم آمده و در غرفه بالای ایوان آیینه حرم حضرت معصومه سلام الله علیها بدون حجاب نشسته بودند. در این زمان, صدای اعتراض مردم و شیعیانی که در حال زیارت حرم مطهر بودند، بلند شد و یکی از روحانیان به نام سیدعبدالله ناظم، مردم را به امربه معروف و نهی از منکر فرا خواند و از مردم خواست تا جلو این رفتار زشت را بگیرند. وقتی این خبر به حاج شیخ محمدتقی بافقی رسید, ابتدا به خانواده رضاخان اخطار داد و از آنان خواست که حجابشان را رعایت کنند یا از این مکان بروند.

«خبر به رضا شاه می رسد و شخصاً به قم می آید و با چکمه وارد صحن مطهر می شود و مرحوم بافقی را دستگیر

ص: 111

می کند. با اعتراض شدید مردم، مجبور به آزادی وی می شود».(1)

1- [1] . گلی زواره ای، هجوم استعمارگران علیه حجاب، مجله پیام زن، ش 25.

رادیو و تلویزیون، رسانه ای فراگیر و فرهنگ ساز است که می تواند در خدمت اصلاح و تعالی یا نابودی فرهنگ جامعه باشد.

در حال حاضر، مسئله گسترش پوشش و آرایش غیراسلامی، به معضل اجتماعی تبدیل شده. به گونه ای که نظر بیشتر صاحب نظران و متولیان امور فرهنگی و تربیتی را به خود معطوف داشته است. بی گمان, رسانه های فراگیر نمی توانند در برابر این مسئله مهم اجتماعی که فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار داده است، بی توجه باشند.

بر این اساس، مسئولان محترم صدا و سیما باید نقش این رسانه را در جلوگیری از هنجارشکنی به ویژه مسئله بدحجابی و آرایش نامناسب تقویت کنند ؛ زیرا بسیاری از برنامه ها و نوع پوشش زنان در این رسانه، عامل مؤثری در گسترش فرهنگ بدحجابی بوده است.

صدا و سیما باید خود را از جمله دستگاه های دست اندرکار در عرصه حجاب در جامعه بداند. به نظر می رسد رسانه ملی پیش از

هرگونه برنامه ریزی برای اثرگذاری در این حوزه، باید موردی و جزئی، میزان نقش خود را در اصلاح یا تخریب فرهنگ حجاب بررسی کند و با بهره گیری از تخصص های مرتبط، در قالب گروهی از کارشناسان، کاملاً مشخص کند که چند درصد از برنامه های صدا و سیما, در اصلاح پوشش یا تخریب این فرهنگ نقش داشته است. آن گاه پس از بررسی دقیق عوامل پدیدآورنده معضل های کنونی، آنها را رفع کند.

به بیان دیگر، رسانه ملی باید در گام اول به آسیب شناسی بپردازد تا پی ببرد چرا در نهادینه سازی این ارزش دینی توفیق زیادی نداشته و در برخی مواقع، بر ضد فرهنگ حجاب, برنامه ساخته است.

باید توجه داشت که صدا و سیما در احیای سنت نبوی حجاب نقش بی نظیری دارد و می تواند دیگر عوامل فرهنگ ساز جامعه مانند والدین و آموزگاران را نسبت به این مسئله حساس کند و با ارائه اطلاعات و آگاهی های لازم به عوامل فرهنگ ساز، آنان را با سازوکارهای فرهنگ سازی آشنا و به آنها کمک کند تا بتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند. هم چنین باید روابط خویش را با دیگر نهادهای فرهنگ ساز و مراکز حکومتی، هماهنگ سازد. این مهم زمانی تحقق می یابد که تمام نهادها و مراکز فرهنگی جامعه، در یک نظام و

ارتباط هدف مند به صورت جامع به تقسیم وظایف بپردازند و نهاد متولی عرصه فرهنگ در جامعه، بر آنان نظارت کند. کوتاه سخن آنکه اولین گام صدا و سیما باید بررسی میزان اثرگذاری برنامه ها در دهه اخیر, در تخریب یا اصلاح مسئله پوشش باشد.

گام دوم، برنامه ریزی برای آینده است و گام سوم، تشکیل گروهی کارشناس، شامل روان شناس، جامعه شناس و روحانی برای تعیین اهداف و تبیین آن. گام چهارم آن است که برای رسیدن به اهداف یاد شده تلاش کنند. گام نهایی نیز تقسیم کار است.

هر یک از موج های رادیویی و کانال های تلویزیونی می تواند متناسب با نوع مخاطبی که برای آن تعریف شده است، عهده دار انجام بخشی از اهداف باشد. بدین صورت که شبکه قرآن سیما، نیازهای معنوی دین داران جامعه را برطرف کرده و در شبکه جوان صدا، مفاهیم معنوی و معارف دینی به نسل سوم ارائه شود. همه بخش های صدا و سیما در راستای هدف کلی عمل می کنند، ولی هر کدام مخاطبانی دارند. برای نمونه, با توجه به اینکه بیشتر نخبگان و فرهیختگان جامعه مخاطب شبکه چهار سیما هستند، باید با ایجاد حساسیت ذهنی، آنان را وادارد که درباره فرهنگ حجاب بیندیشند. با فراخوانی نیز می تواند از

آنان برای غنی سازی برنامه ها بهره جوید و در نهایت، این گروه را وارد عرصه کند.

صدا و سیما با اهتمام جدی نسبت به برنامه ریزی کارشناسانه و اصولی و افزایش نظارت بر چگونگی پوشش زنان در برنامه های گوناگون صدا و سیما و ایجاد حساسیت عمومی در جامعه نسبت به ضرورت برخورداری از پوشش مناسب و القای فرهنگ درست پوشش می تواند در نهادینه سازی فرهنگ پوشش دینی، نقشی بی همتا داشته باشد.

ویژگی های رسانه از جمله نیازمندی آن به حجم فراوان برنامه ها و به تبع آن، پرهزینه بودن آن سبب می شود که انتظار دینی شدن آن در شرایط کاملاً مطلوب و ایده آل، کمی دور از ذهن باشد. مخاطبان صدا و سیما، سلیقه ها و باورهای متفاوتی دارند و نمی توان در یک سطح معرفتی، به همه نیازهای دینی آنان پاسخ گفت. کم توجهی دین داران به عرصه رسانه موجب شده است هنرمندان و عوامل اجرایی متعهد و آشنا به آموزه های دینی، با این رسانه پیوند برقرار نکنند. جا دارد صدا و سیما با تعیین معیارهای رفتاری برگرفته از سنت نبوی، اساس برنامه های خود را بر احیای سنت های نبوی از جمله حجاب و آرایش مناسب قرار دهد.

باید بر این باور باشیم که یکی از راه کارهای استراتژیک برای حل معضل بدحجابی، عمل به دستورهای رسول اعظم صلی الله علیه و آله است. متأسفانه غفلت همگانی از این مسئله و برخورد شخصی و سلیقه ای با آن سبب پیدایش وضعیت آشفته و نابهنجاری شده است.

خوش بختانه درباره پوشش و حجاب، اهمیت و حدود آن و فرهنگ سازی برای حجاب, مطالب بسیاری در آموزه های رسول اکرم صلی الله علیه و آله وجود دارد. از این رو شایسته است:

1. مزایا و معایب رعایت پوشش (آرایش اسلامی) بر اساس حدود نبوی بیان شود.

2. زیان های بی توجهی به دستورهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله (تهدیدات فردی، اجتماعی، خانوادگی) روشن شود.

3. حساسیت ملی برای رویارویی با اقدامات ضد شریعت نبوی، ایجاد شود.

4. فیلم هایی که نشانه مخالفت استعمارگران در طول تاریخ با سنت حجاب است، تدوین شود.

5. کارکنان، بازیگران و مجریان پوشش و آرایش اسلامی داشته باشند.

6. برنامه هایی با رویکرد زنان و دختران اروپایی به اسلام, به ویژه در زمینه حجاب تهیه شود.

7. درباره موقعیت ممتاز زنانی که به سنت نبوی پای بند بوده اند، بررسی تطبیقی صورت گیرد.

8. برنامه های تولیدی صدا و سیما درباره پوشش و آرایش از دیدگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله ادامه یابد.

9. فیلم های کوتاه و نماآهنگ هایی بر اساس رهنمودهای رسول اعظم صلی الله علیه و آله درباره پوشش و آرایش زنان تولید شود.

10. حدود پوشش و آرایش بر اساس دیدگاه پیامبر، متناسب با ادبیات امروز, معرفی و تبیین شود.

11. سمینارها و میزگردهای تخصصی برای شناسایی موانع عمل به دستورهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و یافتن راه کارهای رفع موانع در عصر حاضر برگزار شود.

12. دیدگاه های زنان فرهیخته غرب به ویژه امریکا درباره آثار منفی برهنگی و بی عفتی بیان شود.

13. با شرکت زنان طرفدار بدحجابی و نیز زنان باحجاب, مناظره هایی، برگزار و نقش حجاب در زندگی فردی و اجتماعی آنان بررسی شود.

14. زمینه همکاری جوانان در بیان دیدگاه های موافق و مخالف و بحث در این باره فراهم شود.

15. هماهنگی و هم سویی تمام شبکه ها در سیاست گذاری های مربوط به پوشش و آرایش در برنامه های تولیدی در نظر گرفته شود.

16. اخبار و گزارش های تحلیلی مکرر از رویکرد زنان غرب به حجاب و پوشش های مناسب پخش شود.

17. برنامه های متنوعی از آثار منفی بدحجابی در زندگی دختران نوجوان پخش شود.

18. الگوسازی مناسبی در فیلم ها و مجموعه های تلویزیونی صورت گیرد.

19. طرح حجاب به عنوان یک امتیاز و حق مطرح شود.

20. بحث های کارشناسانه برای ارتقای سطح بینش و مهارت های خانواده برای موفقیت در حفظ ارزش های دینی کودکان انجام شود.

21. علل بدحجابی به متولیان امور تربیتی جامعه, معرفی و با همکاری آنان برای رفع آن چاره اندیشی شود.

22. به تشویق جامعه برای توسعه امر حجاب در برنامه ریزی ها توجه شود.

در پایان, باید به این نکته اساسی درباره تصحیح رفتار اشاره کرد که رفتار انسان در اعتقادهای وی ریشه دارد و برای تصحیح آن باید ریشه و اساس آن اصلاح شود. درباره مسئله حجاب هم باید باورهای دینی فرد تقویت شود. تا این مسئله اتفاق نیفتد، فرهنگ حجاب نهادینه سازی نخواهد شد.

ازاین رو، صدا و سیما باید در این راستا باورهای دینی را تقویت کند و با تهیه فیلم ها و سریال های مناسبتی، مخاطبان را با اخلاق اسلامی آشنا سازد. همچنین می تواند با برگزاری نشست های علمی با محوریت مسائل اعتقادی، در این زمینه فعالیت کند.

ص: 120

کتاب نامه

*قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

1. ابن منظور المصری، ابی الفضل جمال الدین، لسان العرب، بیروت، بی نا، 1410 ه_. ق.

2. ابی الحسن ورّام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر، بیروت، دارالتعارف، بی تا. 1368.

3. احسان بخش، صادق، آثارالصادقین، قم، دارالعلم، 1366.

4. احمد بن فارس بن زکریا، معجم المقاییس، بی جا، الدار الاسلامیه، 1410ه_ .ق.

5. اصفهانی، غلام حسین، فلسفه الحجاب فی وجوب، ترجمه: محمدرضا طهرانی. بی جا، بی نا، بی تا.

6. اکبری، محمدرضا، تحلیل نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، اصفهان، پیام عترت، چاپ سوم، 1376.

7. بدران، عبدالقادر، تهذیب تاریخ دمشق، بیروت، دارالمیسره، چاپ دوم، 1398 ه_ . ق.

8. آلوسی بغدادی, روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، 1405 ه_ .ق/ 1985م.

9. حرعاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، بی جا، مکتبه الاسلامیه، چاپ هفتم، 1403 ه_.ق.

10. حسینیان، روح الله، حریم عفاف (حجاب، نگاه)، تهران، مرکز نشر و چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، 1376.

11. خطیب عدنانی، الملابس و الزینه فی الاسلام، الانتشار العربی، چاپ اول، 1999م.

ص: 121

12. دبیرخانه همایش سراسری، فمینیسم امریکایی تا سال 2003، بی جا، دفتر نشر معارف، چاپ اول، 1383.

13. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران, انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، 1377.

14. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، بی جا، المکتبه المرتضوی، چاپ دوم، 1362.

15. زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر کشاف، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1417 ه_ .ق.

16. زواره ای، گلی، هجوم استعمارگران علیه حجاب، مجله پیام زن، شماره 10.

17. سعیدیان، عبدالحسین، دایره المعارف، تهران, انتشارات محمدعلی علمی، 1349.

18. سیوطی، عبدالرحمان، الدرالمنثور، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، 1414ه_ .ق.

19. شمس الدین، شیخ محمد مهدی، حدود پوشش و نگاه در اسلام، ترجمه: محسن عابدی، تهران, انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، 1382.

20. شیبانی، احمد بن محمد، مسند احمد، تحقیق: عبدالله محمد الدرویش، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، 1414ه_ .ق.

21. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، الخصال، بیروت، مؤسسه الاعلمی, چاپ اول، 1410ه_ .ق.

22. علل الشرایع، قم، مکتبه الطباطبایی بالمدرسه الفیضیه.

23. صفاوردی، سوسن، مجله پیام زن، شماره 12.

24. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، کانون انتشارات محمدی، 1356.

ص: 122

25. طبرسی، ابوعلی فضل ابن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ترجمه: حبیب روحانی و علی عبدالحمید، چاپ اول، 1376.

26. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، دار المعرفت، بیروت، 1408 ه_ .ق.

27. عابدینی، احمد، سیری در مطبوعات، نشریه فقه، شماره 22.

28. عباسی، حسن، حجاب در چرخ توسعه، مجله زن شرقی، ویژه نامه حجاب، شماره 18- 17.

29. عروسی الحویزی، عبدبن علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، مطبعه العلمیه.

30. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، 1374.

31. عوامی، شیخ فیصل، قیم الزینه و الجمال، مؤسسه ام القری للتحقیق و النشر، چاپ اول، 2003م.

32. فرماوی، عبدالحی، زینه المرأه ، دار البشیر، چاپ اول، 1999م.

33. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات, تهران, نشر فرهنگ اسلامی، 1379.

34. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، قاموس المحیط، بیروت، دارالفکر، 1399 م.

35. فیض کاشانی، محمدمحسن، تفسیر صافی، انتشارات دارالمرتضی، 1411، چاپ اول.

36. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم القمی(ت307- ه.ق)، تفسیر قمی، اعداد: السید الطیب الموسوی الجزایری، مطبعه نجف الاشرف.

37. کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین، چاپ خانه محمدحسن علمی، 1330.

38. کرمی فریدنی، علی، پرتوی از پیام پیامبر، انتشارات حلم، چاپ اول، 1384.

ص: 123

39. کلانتری، علی اکبر، فقه و پوشش بانوان، قم, بوستان کتاب، چاپ اول، 1383.

40. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، تهران, دارالکتب الاسلامیه، 1378.

41. لمبروزو، جینا، روح زن، ترجمه: پری حسام شهرئیس، انتشارات تهران دانش, 1369.

42. لوشر، ماکس، روان شناسی رنگ ها، ترجمه: لیلا مهرادپی، انتشارات حسام، چاپ اول، 1370.

43. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، سوم، 1403 ه_.ق.

44. محمدی آشنانی، علی، حجاب در ادیان الهی، قم, انتشارات یاقوت، 1378.

45. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه, قم, انتشارات دارالحدیث، چاپ دوم، 1379.

46. مرتضوی، سیدضیاء، ادب پوشش، مجله پیام زن، شماره 6.

47. مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، قم, دارالحدیث، چاپ اول، 1413ه_ .ق.

48. مصباح یزدی، محمدتقی، جامی از زلال کوثر، قم, انتشارات مؤسسه آموزشی _ پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه ، 1380.

49. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1360.

50. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهل و هشتم، 1376.

51. معین الاسلام، مریم، زنان و برنامه تربیتی اسلام، انتشارات بیت الاحزان، 1384.

ص: 124

52. معین الاسلام و مریم و ناهید، طیبی, روان شناسی زن در نهج البلاغه، انتشارات عطر سعادت، چاپ دوم، 1380.

53. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، 1364.

54. مؤسسه قدر ولایت، حکایت کشف حجاب، تهران، ناشر فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول، 1380.

55. مهدی زاده، حسین، حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، 1381.

56. مهدی زاده، حسین، هم گونی جلباب قرآنی و چادر مشکی، مجله پیام زن، شماره 177_ 178.

57. مهریزی، مهدی، حجاب، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1379.

58. نرمان وینسنت بیل، معجزه اراده، ترجمه: وجیهه آذرمی، تهران, انتشارات بهشت بینش، چاپ اول، 1382.

59. نشریه پویا، شماره 1، مهر 1382.

60. هاشمی رکاوندی، مجتبی، مقدمه ای بر روان شناسی زن، قم، انتشارات شفق، 1370.

61. هدایت خواه، ستار، زیور و عفاف، خراسان، معاونت پرورشی اداره کل آموزش و پرورش، چاپ دوم، 1375.

62. هوارد و دروتی سان، زندگی با رنگ، روانشناسی و درمان با رنگ ها، ترجمه: نغمه صفاریان پور، تهران, انتشارات حکایت، چاپ اول، 1378.

یوسف بن عبدالله، التذکره الخواص، تهران, مکتبه النینوا الحدیثیه.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109